هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

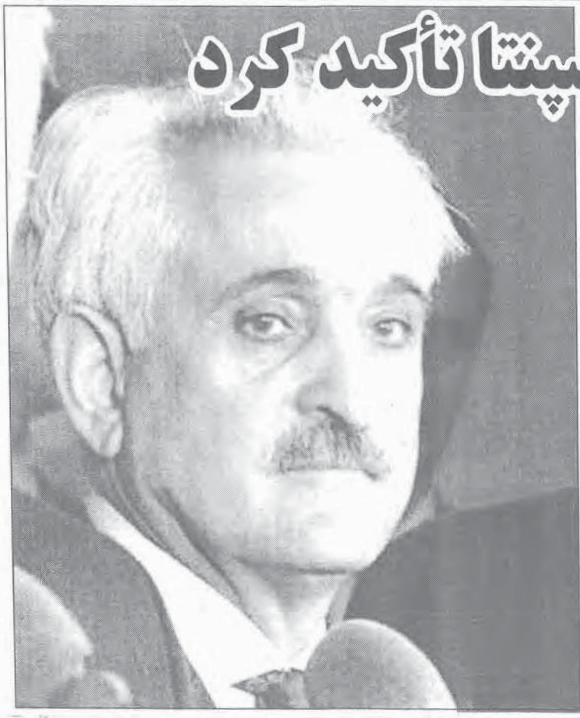
رویا رویی رئیس جمهور با پارلمان در سلب صلاحیت وزیر خارجه ص۲

آیا تفاهم با طالبان ممکن است؟ ص۲

ناتوانی دولت از ایجاد محیط مناسب برای سرمایه گذاری ص۶

دور ششم سال ششم شمارهٔ هشتم شنبه ۱۹ جوزای ۱۳۸٦ ۲۳ جمادی الأول ۱٤۲۸ - 09 June , 2007

پارلمان بر رأی عدم اعتماد به سپنتا تأکید کرد



روز چهارشنبهٔ گذشته مجلس نمایندگان در آخرین جلسهٔ نخستین اجلاسش در سال ۱۳۸۶ بر سلب صلاحیت وزیر خارجه دکتر سپنتا و رأی عدم اعتماد به او تأکید کرد.

این تأکید مجلس نمایندگان بر رأی عدم اعتماد به وزیر خارجه و سلب صلاحیت از او در پی پاسخ دادگاه عالی کشور به نامهٔ رئیس جمهور کرزی در این باره صورت پذیرفت.

دکتر دادفر سپنتا وزیر خارجه و محمد اکبر اکبر وزیر مهاجرین زمانی از سوی مجلس نمایندگان رأی عدم اعتماد به دست آوردند که ایران در اواسط ماه ثور اقدام به اخراج گروهی مهاجران افغانستان از خاکش کرد و این حادثه به یک فاجعهٔ انسانی تبدیل شد.

وزیران امور خارجه و مهاجرین به دلیل بی کفایتی و تقصیر در انجام وظایف خویش از سوی مجلس نمایندگان سلب اعتماد شدند. وزیر مهاجرین در بار نخست رأی گیری در ۲۰ ثور مجلس سلب اعتماد شد اما کار سپنتا به دلیل وجود یک رأی مشکوک به بار دوم رأی گیری ماند. در بار دوم در جلسهٔ ۲۲ ثور مجلس نمایندگان با ۱۴۱ رأی سپنتا نیز سلب اعتماد گردید. اما رئیس جمهور رأی مجلس نمایندگان دربارهٔ سپنتا را نپذیرفت و آن را ناموجه خواند و قضیهٔ آن را جهت توضیح یا فیصله به دادگاه عالی فرستاد.

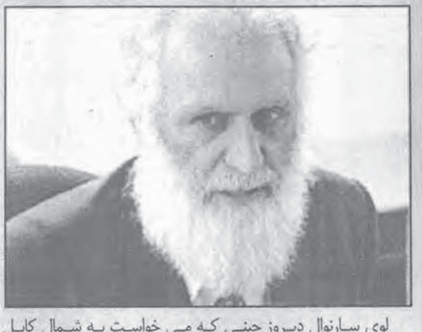
دادگاه عالی پس از نزدیک به یک ماه تأخیر و بررسی، پاسخ رئیس جمهور را در یک نامهٔ هفت صفحه یی داد و این نامه توسط وزارت دولت در امور پارلمانی روز دوشنبه هفتهٔ گذشته به مجلس سپرده شد.

هرچند جزئیات پاسخ دادگاه عالی در این موضوع فاش نگردیده است اما برخی از منابع (مانند بی بی سی) از قول مقاماتی دولتی گفتند که در آن به چند نکته اشارت شده است، از جمله این که استیضاح وزیر خارجه به دلیل عدم ارتباط مستقیمش به مسألهٔ مهاجرین مخالف قانون اساسی و نیز رأی گیری دوم مجلس نمایندگان در این باره مخالف اصول وظایف داخلی پارلمان خوانده شده است.

اما مجلس نمایندگان از بحث دربارهٔ این نامهٔ دادگاه عالی ابا ورزید و آن را مسأله یی میان دادگاه عالی و رئیس جمهور تلقی کرد. در روز چهارشنبه آخرین جلسهٔ نخستین اجلاس امسالش با قاطعیت بیشتر فیصلهٔ پیشین خود را مبنی بر رأی عدم اعتماد به دکتر سپنتا به عنوان وزیر خارجه تأکید کرد. گفته می شود در این بار به شدت از شمار طرفداران رئیس جمهور در مجلس نمایندگان کاسته شده بود، به حدی که طرفداران نظر رئیس جمهور به بیشتر از دو سه نفر نمی رسیدند.

بسیاری از نمایندگان مجلس غیر مستقیم به اعتراض دادگاه عالی پاسخ داده اند؛ مسألهٔ مهاجرین را به عنوان شهروندان مقیم خارج افغانستان از وظایف اساسی وزارت خارجه خوانده و فیصلهٔ خود را کاملاً مطابق به قانون اساسی و اصول وظایف داخلی پارلمان دانسته اند.

لوی سارنوال حادثه یی تازه آفرید



لوی سارنوال دیروز حینی که می خواست به شمال کابل برود با ژنرال دین محمد جرأت درگیر شد و این درگیری به ضرب و شتم انجامید.

بر پایهٔ گزارش تلویزیون طلوع این درگیری لوی سارنوال زمانی رخ داد که جادهٔ عمومی کابل ـ سالنگ در ولسوالی میربچه کوت به اثر ازدحام ترافیک مدتی مسدود شد، آقای عبدالجبار ثابت از موترش پیاده شد و می خواست موترها را در خالی کردن جاده هدایت کند. آقای ثابت به سخن شاهدان به موتر ژنرال جرأت می رسد ـ که او نیز با خانواده اش راهی شمال کابل بوده است ـ و راننده اش را با بوتل آب می زند و تهدید می کند. و ژنرال جرأت خودش در تماس تلفنی با طلوع و بی بی سی گفت که لوی سارنوال خود موجب این درگیری است چون او با ضرب و شتم در محضر خانواده ام این درگیری را آغاز کرد.

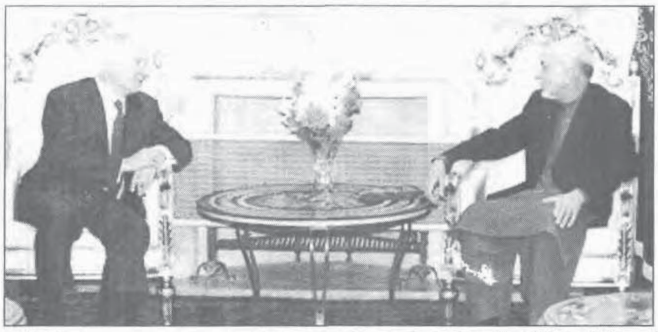
اما لوی سارنوال پس از وقوع این حادثه در دفتر کارش به خبرنگاران گفت که این کار از پیش طراحی شده بود و به منظور اختطاف او انجام یافته است و آنان که به او حمله کردند ۴۰ مرد مسلح بودند.

اما ژنرال جرأت این ادعاهای لوی سارنوال را در تماس با بی بی سی نادرست خواند و گفت که حاضر است در برابر این ادعاها از خود دفاع کند و او لوی سارنوال را به عنوان عامل این حادثه متهم می کند.

آقای عبدالجبار ثابت از زمانی که متصدی دادستانی کل کشور شده است پیوسته خبر ساز و حادثه آفرین بوده است. برخی این کارهای دادستان کل را مفید می خوانند و او را می ستایند و دیگران بیشترینه این کارهای او را ناشی از سخونت طبع و تندی مزاج او می دانند و این گونه عملکردهای او را به حال ثبات و امنیت زیان بار می دانند.

وزیر دفاع آمریکا در کنفرانسی مطبوعاتی مشترک با حامد کرزی در کابل:

وضعیت امنیتی را اطمینان بخش خواند و بر تقویت نیروهای نظامی افغانستان تأکید کرد



رابرت گیتس وزیر دفاع ایالات متحدهٔ آمریکا روز دوشنبه ۱۴ جوزا در کابل بر لزوم تقویت نیروهای اردوی ملی و پلیس ملی افغانستان تأکید کرد و گفت: این مسأله موضوع مذاکرهٔ امروزش با حامد کرزی هم بوده است و همکاری های نظامی آنان پس از این بیشتر در این مورد تمرکز خواهد یافت.

این اظهارات وزیر دفاع آمریکا در زمانی صورت می گیرد که چندی پیش کانگرس ایالات متحدهٔ کمک پانزده میلیون دلاری را به افغانستان تصویب کرد که بخش بیشتر آن هزینهٔ تقویت نیروهای نظامی افغانستان خواهد شد.

او همچنان در این کنفرانس گفت: جنگ در افغانستان پیروز شدنی است ولی تأکید کرد که حفاظت از افراد غیر نظامی در جریان عملیات باید در صدر توجه قرار بگیرد. و او دلیل میزان بلند تلفات غیر نظامیان را استفادهٔ طالبان از آنان به عنوان سپر انسانی خواند.

این اظهارات را وزیر دفاع امریکا در زمانی ابراز می دارد که به باور بسیاری از کارشناسان امور نظامی در افغانستان ساحت فعالیت های نظامی طالبان و حجم حملات آنان نظر به شش سال گذشته بیشتر شده است.

وزیر دفاع ایالات متحدهٔ آمریکا در این کنفرانس مطبوعاتی از وجود شواهدی سخن گفت که دلالت به ورود سلاح های ساخت ایران به طالبان و دیگر عناصر مخالف دولت افغانستان دارد. او گفت که نحوهٔ ورود این سلاح ها به افغانستان و قرار گرفتن آنها در دست جنگجویان مخالف را بررسی می کند، اما آقای کرزی در این کنفرانس خبری در این باره بسیار محتاطانه سخن گفت و اظهار کرد کرد او نشانه یی از حمایت دولت ایران از طالبان در افغانستان در دست ندارد و گفت: حمایت از طالبان به نفع هیچ یک از کشورهای همسایهٔ افغانستان نیست. او همچنان به افزایش حجم صادرات ایران به افغانستان در حال حاضر و دشمنی طالبان با ایران در زمان حاکمیت آنان اشارت کرد.

درمیان اعتراضاتی گسترده

سران گروه هشت تغییرات محیط زیست و کمک به آفریقا را مورد بحث قرار دادند



در اجلاس روز اول این نشست مسألهٔ کاهش گازهای گلخانه یی مورد بحث قرار گرفت. گازهای گلخانه یی عامل اصلی افزایش گرمای زمین و آب شدن یخ های قطب و از میان رفتن ادامه در ص۸

رهبران هشت کشور صنعتی بزرگ جهان (آمریکا و ژاپن و آلمان و بریتانیا و فرانسه و ایتالیا و روسیه و کانادا) دیروز جمعه ۱۸ جوزا پس از دو بحث و مذاکره در شهر هایلیگندام آلمان به کارشان پایان دادند.

در این نشست سران کشورهای گروه هشت دو موضوع مهم جهانی، تغییرات آب و هوایی و محیط زیست، و کمک به قارهٔ آفریقا مورد بحث قرار گرفت.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

رویا رویی رئیس جمهور با پارلمان در سلب صلاحیت وزیر خارجه

وقتی به مادهٔ شصت و چهارم قانون اساسی که صلاحیت های رئیس جمهور را بر شمرده است نظر افگنده شود شش مورد مهم آن بستگی به تأیید و تصویب مجلس نمایندگان یا پارلمان دارد. یکی از این موارد ''تعیین وزراء ... به تأیید ولسی جرگه (مجلس نمایندگان)'' است.

در همهٔ این موارد کار رئیس جمهور به تنهایی از مشروعیت برخوردار نیست، در پهلوی تصمیم رئیس جمهور موافقت و تأیید مجلس نمایندگان شرط شده است. و بند سوم مادهٔ نود و یکم در تبیین صلاحیت مجلس نمایندگان به این موافقت و عدم موافقت به مقرری های رئیس جمهور از سوی مجلس نمایندگان تاکید می کند: ''تأیید یا رد مقرری ها مطابق به احکام این قانون اساسی''. این البته در ابتدای مقرری هاست، زمانی که وزیران برای رأی گرفتن از مجلس نمایندگان معرفی می شوند. اما آیا سلب صلاحیت وزیران پس از دادن رأی عدم اعتماد به آنان متوقف به تأیید و یا موافقت رئیس جمهور است چنان که بعضی ها ادعا دارند، یا نیازی به موافقت و عدم موافقت رئیس جمهور پس از رأی عدم اعتماد توسط مجلس نمایندگان به وزیر وجود ندارد؟

قانون اساسی به نظر دوم صراحت دارد، در مادهٔ نود و دوم آمده است: ''ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فی صد (در صد) کل اعضاء می تواند از هر یک از وزراء استیضاح به عمل آورد. هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می کند. رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلائل موجه باشد. این رای به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد''.

اگر قرار باشد که رأی عدم اعتماد ولسی جرگه در مورد اقای سپنتا منطبق به این ماده صادر شده است، دیگر مجالی برای ابراز رأی رئیس جمهور وجود ندارد.

دادگاه عالی در پاسخی که به استفسار رئیس جمهور در این زمینه نوشته است قرار گزارش رسانه ها به دو نکته اشارت کرده است: ۱. عدم ارتباط مستقیم مسألهٔ مهاجرین به وزارت امور خارجه، لهذا استیضاح مجلس نمایندگان بر اساس دلائلی موجه نیست. ۲. رأی گیری بار دوم مجلس نمایندگان مخالف اصول وظائف داخلی پارلمان است. به این دو دلیل از نظر دادگاه عالی رأی عدم اعتماد مجلس نمایندگان به وزیر خارجه اعتبار ندارد.

احتمالاً استدلال دادگاه عالی به مادهٔ شصت دوم اصول وظایف داخلی پارلمان باشد، ولی باید توجه کرد که موضوع این ماده مربوط به ''بروز شک در مورد رأی گیری توسط بالا کردن دست'' است و به گونهٔ علنی و نه در مورد رأی گیریی که از ابتدا به گونهٔ سری بوده است.

رأی گیری دربارهٔ رأی عدم اعتماد به وزیران خارجه و مهاجرین در بار نخست هم سری بوده است، و این کاملاً مطابق قانون است.

دربارهٔ ابراز نظر دادگاه عالی در این باره باید گفت دادگاه عالی از چه نظری به این مسأله پرداخته است؟ از منظر تفسیر قانون اساسی یا از منظر یک دعوای فیصله طلب؟

مادهٔ صد و بیست و یکم که بر بنیاد آن به صلاحیت دادگاه عالی در تفسیر قانون اساسی گاهی استدلال می شود، هرگز این صلاحیت را به دادگاه عالی نداده است. نص مادهٔ یاد شده چنین است: ''بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد''.

برخی صلاحیت دادگاه عالی در تفسیر قانون اساسی را با مغالطه می خواهند از عبارت ''تفسیر آنها'' استنباط کنند و کسانی که اندک سوادی دارند می دانند که ضمیر ''آنها'' در این ماده راجع به ''قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی'' است و نه به قانون اساسی؛ زیرا دادگاه عالی زمانی می تواند مطابقت آنها را با قانون اساسی دریابد که تفسیر آنها در صورت پیش آمدن ابهامی بداند.

اما کار تفسیر قانون اساسی به باور بنده از وظایف کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی است. هرچند تفسیر قانون اساسی به تصریح از وظایف این کمیسیون خوانده نشده است ولی به قول اصولیان به اشارت نص ثابت است. چون تا کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی آن را تفسیر نکند و نداند چگونه می تواند بر تطبیق آن نظارت کند.

اما اگر دادگاه عالی به این مسأله به عنوان یک دعوی پرداخته و در مورد آن فیصله یا حکم صادر کرده است، این کار باید مسبوق به بررسی نزاع از دو طرف دعوی باشد و مدعی و مدعی علیه وجود داشته باشد و دلائل هر یک طبق اصول محاکمات از سوی دادگاه شنیده شود.

سرنوشت دکتر رنگین دادفر سپنتا

در کشمکش رئیس جمهور و پارلمان

احمد مهدی



بعد از استیضاح وزیر امورخارجه و رأی عدم اعتماد به او در مجلس نمایندگان، بنا بر پیش فرض های خوش بینانه از دموکراسی افغانستان، همه گان گمان می کردند کار دکترسپنتا به عنوان وزیر امورخارجه پایان یافته و او باید کرسی وزارت را واگذارد، امارئیس جمهور کرزی به بهانهٔ آن که پرداختن به آوارگان به صورت مستقیم در حیطهٔ وظایف وزارت خارجه نیست، رأی عدم اعتماد پارلمان را نپذیرفت و خواهان بررسی دادگاه عالی کشور در زمینه شد.

دادگاه عالی بعد از تأخیر دراز نظرخویش را به ریاست جمهوری فرستاد، اگرچه پاسخ دادگاه عالی در اختیار رسانه ها قرارنگرفته و جزئیات آن آشکار نشده است اما ، گفته می شود این دادگاه موضع گیری رئیس جمهور را تأیید نموده، استیضاح وزیرخارجه را خلاف قانون و غیرموجه خوانده است.

پارلمان در واکنش، از بحث روی نظر دادگاه عالی خودداری نموده و گفته است نظر دادگاه عالی به هیچ صورت به معنای نقض فیصلهٔ نمایندگان نخواهد بود.

روزچهارشنبه ۱۶ جوزا، که قرار بود مجلس نمایندگان، بحث در مورد نظر دادگاه عالی را آغاز کند، حدود نیمی از نمایندگان معترض، مجلس را ترک کردند و به علت تکمیل نشدن حد نصاب، راه هر نوع تصمیم گیری جدید مسدود شد. سپس یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان اعلام کرد که تصمیم نخست این مجلس، مبنی بر رأی عدم اعتماد به آقای سپنتا، همچنان برجای باقی است و قابل برگشت نیست. پارلمان در این جلسه رخصتی یک و نیم ماهۀ خود را که قبلا از طرف ریاست جمهوری اعلان شده بود مورد تأیید قرار داد.

پیش از این پارلمان، ضمن نامه هایی عنوانی نمایندگی های سیاسی خارجی درکابل و پارلمان های کشورهای دیگر ، برکناری دکترسپنتا از پست وزارت امورخارجه را اعلان نموده و هرگونه فعالیت و اجراآت وی را به عنوان وزیر خارجۀ افغانستان غیرقانونی خوانده است.

رئیس جمهورکه طی فرمانی تاروشن شدن نظردادگاه، دکترسپنتا را مامور ادامهٔ کار به عنوان وزیر خارجه نموده بود، گمان می رود به زودی با فرمانی دیگر با استناد به نظر دادگاه، استیضاح وزیر را نا موجه خوانده و ادامهٔ کار وی را منظور نماید. این جریان که تقابل قوهٔ اجرائیه و مقننه را شدیدتر می سازد بحران عمیق قانونی در دولت افغانستان به میان می آورد، به باور شماری از حقوقدانان، این تقابل و بحران ناشی از نارسایی قانون اساسی

البته رفتن و یا ماندن یک نفر در پست وزارت نباید تا این حد جدی گرفته شود و وضعیت را بحرانی سازد، اگر پارلمان قبل از استیضاح و سلب اعتماد از وزیر خارجه اهمیت وی را برای حکومت، رئیس جمهور و متحدین خارحی دولت افغانستان پیش بینی می کرد لازم بود در استیضا ح وی تأمل می نمود

افغانستان است یکی از این نارسایی های قانون اساسی افغانستان عدم تشکیل نهاد تفسیر و نظارت بر اجرای قانون اساسی است که قبلاً در این قانون در نظرگرفته شده و تا زمانی که این نهاد تشکیل نگردد بین قوای سه گانه هر از گاهی چنین بحران هایی رخ خواهد داد.

به هرصورت رئیس جمهور که در

تضعیف پارلمان به هیچ صورت به سود رئیس جمهور و قوهٔ اجرائیه نبوده و به مفهوم تضعیف وبی اعتباری یک رکن نظام ونقض قانون اساسی می باشد. با بی اعتباری پارلمان و ضعف دولت افغانستان مشروعیت نیروهای خارجی که شعار تطبیق دموکراسی را سر می دهند زیر سؤال خواهد رفت

رأس قوهٔ مجریه نیز قرار دارد بر سر برکناری و یا برجایی وزیر خارجه با قوهٔ مقننه دست وگریبان شده است، کارشناسان عقیده دارند اگر فیصلهٔ پارلمان به مرخله اجرا در آید، نظام آسیبی جدی نخواهد دید اما، اگر چنانچه رئیس جمهور خواستهٔ خود را مبنی بر ابقای دکتر رنگین دادفرسپنتا به عنوان وزیر امورخارجه بر پارلمان تحمیل نماید، این نهاد اعتبار و اهمیت خویش را در افکارعامه از دست داده، جایگاه آن در نظام افغانستان به عنوان ارگان نظارت کننده و دارای حق استیضاح وزرا صدمهٔ جدی خواهد دید.

در این صورت حرف فاروق وردک وزیر دولت در امورپارلمانی و رئیس ادارهٔ ریاست جمهوری به کرسی خواهد نشست، که هنگام دریافت نظر دادگاه عالی در مورد استیضاح دکترسپنتا گفته بود، اگر اختلافی میان ارگان های قدرت هم وجود داشته باشد، در این کشور تنها رئیس جمهور تصمیم می گیرد و به اختلاف ها نقطه پایان می گذارد. آری رد استیضاح چنین حالتی را به میان می آورد و بالاخره روشن می شود، که در این کشور یک شخص باید تصمیم بگیرد و سخن از دموکراسی، پارلمان و تفکیک قوای دولت شعارهای میان تهی بیش نیستند.

در این میان شخصیت دکترسپنتا به عنوان یک روشنفکر و وزیرخارجه بیش از پیش آسیب خواهد دید، دکترسپنتا بعد از استیضاح وزیر ضعیف و در معرض فشارهای اعضای حکومت، وکلا و متنفذین سیاسی قرارمی گیرد، در امور کادری وزارت، بیش از پیش ازخارج اعمال نفود می شود و موضع وی در اجرای طرح هایش در وزارت خارجه تضعیف خواهد شد.

تضعیف پارلمان به هیچ صورت به سود رئیس جمهور و قوهٔ اجرائیه نبوده و به مفهوم تضعیف وبی اعتباری یک رکن نظام ونقض قانون اساسی می باشد. با بی اعتباری پارلمان و ضعف دولت افغانستان مشروعیت نیروهای خارجی که شعار تطبیق دموکراسی را سر می دهند زیر سؤال خواهد رفت.

البته رفتن و یا ماندن یک نفر در پست وزارت نباید تا این حد جدی گرفته شود و وضعیت را بحرانی سازد، اگر پارلمان قبل از استیضاح و سلب اعتماد از وزیر خارجه اهمیت وی را برای حکومت، رئیس جمهور و متحدین خارحی دولت افغانستان پیش بینی می کرد لازم بود در استیضا ح وی تأمل می نمود. اما حال که استیضاح صورت گرفته تضعیف پارلمان به زیان کشور و دولت خواهد بود .

آیا تفاهم با طالبان ممکن است؟

وحید مژده



حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان گاه وبیگاه از لزوم تفاهم با طالبان سخن می گوید. در آخرین مورد از این خواست، پارلمان کشور هم با آقای کرزی هم صدا شد و از این برنامه که آن را آشتی ملی نامیده شده است ابراز حمایت کرد.

در گذشته وقتی آقای کرزی از تفاهم با طالبان حرف می زد، جمعی از سران این گروه را که گویا تعداد شان بین پنجاه تا شصت تن می شد، از این جریان مستثنی می نمود و آنها را به عنوان کسانی که دست شان به خون ملت سرخ است، شایان شمول در این برنامه نمی دانست. هرچند به نظر می رسید که با طرح جدید، این استثنا از میان رفته است، اما در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خویش با نخست وزیر پاکستان، آقای کرزی بار دیگر تأکید کرد که با کسانی که وطن مارا ویران می کنند مذاکره صورت نخواهد گرفت.

وقتی سخن از تفاهم با طالبان در میان است این کار وقتی به پا می نشیند که با طالبانی که درگیر جنگند و به ایجاد نا امنی و ویرانی مشغولند مذاکره صورت گیرد. اما آیا تفاهم با این گروه ممکن است؟

سطحی نگری هواداران تفاهم

بدون تردید صلح ضرورت اصلی مردم ماست. بدون دسترسی به صلح نه بازسازی ممکن است و نه قطع مداخلات خارجی. این مداخلات شامل مداخلات کشور های غربی نیز می شود.

اما از جانب دیگر آنانی که از تفاهم با طالبان هم جانبداری می کنند ظاهراً برخوردی سطحی با مسأله دارند. آقای کرزی با وجود آشنایی نزدیک با رهبران طالبان و سابقهء کار با آنان، از تغییرات بنیادی که این تحریک بعد از سقوط امارت داشته داشته یا اطلاع ندارد، یا این تغییرات را سطحی می انگارد ویا این که وی می داند که تفاهم با طالبان درگیر جنگ ممکن نیست اما مطرح کردن مسألهء تفاهم با طالبان بر رقبای سیاسی فشار لازم را وارد خواهد کرد.

زمانی که تحریک طالبان برای نخستین بار قامت برافراشت، یک حرکت دیوبندی خالص بود و هیچ پیوندی با حرکت های اسلامی در سطح بین المللی نداشت. رهبران آن فقط از استادانی حرف شنوی داشتند که در مدارس دینی آن سوی دیورند درس دینی اموخته بودند. این استادان، خود با حلقه های خارجی در رابطه بودند و به عنوان واسطه میان طالبان و حلقه های خارجی، عمل می کردند. اگر گاهی تماس هایی هم صورت می گرفت با وساطت همین استادان بود. اما اکنون واسطه ها دیگر در این میدان نقشی ندارند.

نزدیکی طالبان و القاعده

برخلاف شایعات، القاعده در دوران امارت طالبان هرگز توان آن را نداشت تا خواست خود را بر رهبری این گروه تحمیل نماید. برعکس این رهبری طالبان بود که برای جلوگیری از تشتت در صف القاعده، آنها را سازمان داد.

ملا محمد عمر همه رهبران القاعده به وی بیعت کردند از سپردن اسامه به امریکا خودداری ورزید اما با وجود این، در مورد چگونگی رهبری

به نظر می رسد که طالبان پس از سقوط، بیشتر از قبل به القاعده نزدیک شده اند. این حقیقت را می توان از مقایسه میان اهداف طالبان در آغاز این تحریک و اهدافی که امروز مطرح می کنند، دریافت

القاعده در سطح بین المللی اطلاعی نداشت. او حتی شخصیت های مطرح در میان تندروان اسلامی در سطح بین المللی را یا اصلا نمی شناخت یا فقط نام آنان را شنیده بود. مثلا او نمی دانست که شیخ عمر عبدالرحمن کیست در حالی که سازمان جماعت الجهاد مصر و رهبری آن از جمله ایمن الظواهری در افغانستان حضور داشتند.

اما به نظر می رسد که طالبان پس از سقوط، بیشتر از قبل به القاعده نزدیک شده اند. این حقیقت را می توان از مقایسه میان اهداف طالبان در آغاز این تحریک و اهدافی که امروز مطرح می کنند، دریافت.

اهداف ملی و بین المللی

تحریک طالبان در آغاز ظهور خویش یک حرکت ائتلافی متشکل از مجاهدین تنظیم های جهادی بود. البته عناصری از حزب خلق نیز خود را در آن جا زدند. این حرکت ائتلافی سه هدف تطبیق شریعت، تأمین امنیت و یکپارچگی را عنوان کرد. اما با آمدن جنگجویان خارجی از کشور های دیگر، به تدریج اهداف برون مرزی نیز برجسته تر گردید. هرچند طالبان مدعی بودند که برای کشور های همسایهء خویش خطر ایجاد نخواهند کرد، اما در عمل موجودیت جنگجویان خارجی وابسته به القاعده در کنار آنان و تهدید های اسامه بن لادن نشان می داد که طالبان نگاه توسعه طلبانه بخصوص به آن سوی مرز های شمالی دارند. این هدف روی برنامه های داخلی طالبان نیز بی اثر نبود. در تحریک طالبان از نظر قومی، پشتون ها اکثریت بودند اما دومین قدرت را ازبیک ها تشکیل می دادند که طالبان ازبک تبار، قطع نظر از اینکه افغانستانی هستند یا ازبکستانی. تحت فرماندهی طاهر یولداش جنگجوی مشهور ازبیکستانی سازمان داده شدند.

آقای کرزی با وجود آشنایی نزدیک با رهبران طالبان و سابقهء کار با آنان، از تغییرات بنیادی که این تحریک بعد از سقوط امارت داشته داشته یا اطلاع ندارد، یا این تغییرات را سطحی می انگارد ویا این که وی می داند که تفاهم با طالبان درگیر جنگ ممکن نیست اما مطرح کردن مسألهء تفاهم با طالبان بر رقبای سیاسی فشار لازم را وارد خواهد کرد

برای جنگجویان ازبیک تبار خارجی و به تبع از آنان برای طالبان افغان، آسیای میانه نه به عنوان کشور های مستقل بلکه به عنوان سرزمین اسلامی بخارا مطرح بود. هرچند آنها با ترکمنستان روابط بسیار دوستانه داشتند و نمی خواستند مخالفین دولت ترکمن باشی را در کنار خویش بپذیرند اما به نظر می رسد که این روابط خوب، بیشتر از مجبوریت های طالبان ناشی می شد که در سطح جهانی دوستان انگشت شماری داشتند.

اما طالبان پس از سقوط، به القاعده بیشتر وابسته گردیدند. کمک های مالی به طالبان بدون تأیید القاعده ممکن نیست. امروز طالبان به عنوان شاخهء افغانی القاعده مطرح هستند و اهدافی که مطرح می کنند نیز فرامرزی است.

آنها هم مانند القاعده، صلح در افغانستان را زمانی ممکن می دانند که به تعبیر آنان نیروهای صلیبی از عربستان سعودی، عراق و افغانستان خارج شوند و حمایت غرب از اسرائیل پایان یابد.

برنامه یی برای تغییر جهان

رهبران طالبان با تجربهء امارت خویش در افغانستان دریافته اند که در جهان امروز دولت داري به شیوه یی که آنان می خواهند ناممکن است. بناءً نخست باید جامعه را تغییر داد و فضایی برای تطبیق چنین حاکمیت فراهم آورد و سپس به تأسیس دولت پرداخت. این تجربهء مشترک همه گروههای رادیکال، از جماعت الجهاد مصر تا جمعیة المقاتله که علیه دولت لیبی در مبارزه است، و حرکت اسلامی ازبیکستان می باشد.

جماعت الجهاد مصر که فعلا به وسیلهء الظواهری رهبری می شود، گروهی است که اعضای آن در سراسر جهان تحت تعقیب هستند اما برنامهٔ کاری این گروه برای رسیدن به قدرت در مصر خلاصه نمی شود.

تغییر جهان توسط این گروه ها را می توان عکس العملی در برابر نظم نوین جهانی که از جانب ایالات متحدهء امریکا مطرح شد دانست اما برای طالبان که به تقلید از القاعده در صدد تغییر جهان هستند، افغانستان نه یک هدف بلکه یک وسیله است. اینکه آنها به تصوری که مردم افغانستان از آنان دارند ویا می توانند داشته باشند اهمیتی قایل نیستند به خاطر آن است که دیگر اهداف در سطح ملی مطرح نیست. آنها مانند القاعده به یک خیزش عمومی علیه غرب در سراسر جهان اسلام چشم دوخته اند که رفتار نو محافظه کاران در امریکا و اقدامات اسرائیل علیه فلسطینی ها زمینه های آن را به وجود آورده است.

تحلیل گران، بیانیهء تهدید آمیزی را که اسامه در جریان انتخابات ریاست جمهوری امریکا داشت، در شکست جان کیری بی تأثیر نمی دانند. کسانی که با سیاست های خصمانه و بی پردهء خویش در غرب دربرابر دنیای اسلام قرار دارند. ممد و معاون این هدف القاعده اند. امریکا با حمله به عراق، بسیاری از مشکلات القاعده با حلقه های رادیکال در کشورهای اسلامی را حل کرد. رهبری این سازمان وجود این همه سرباز برای ماموریت های انتحاری را حتی در خواب هم نمی دید.

شاید برنامهء تغییر جهان توسط طالبان برنامهء بلند پروازانه یی به شمار آید اما باید در نظر داشت که یکی از خصلت های رادیکالیزم که اینک به شکل گروه های خشونت گرا در جهان اسلام قد علم کرده اند این است که آنها با خوردن برچسب تروریست، دیگر مجالی برای شرکت در پروسهء سیاسی کشورهای شان ندارند. پس برای این گونه گروه ها، راهی جز پیوستن به یک حرکت خشونت گرای بین المللی که القاعده نمایندهء آن است باقی نمی ماند.

اکنون بر می گردیم به این پرسش که با چنین جو و فضایی، آیا ما می توانیم امیدی به صلح از راه تفاهم با طالبان خشونت گرا داشته باشیم؟ جواب مثبت به این سؤال به تغییرات بنیادی در سطح بین المللی رابطه می گیرد که در توان دولتمردان ما نیست.

بحران بازگشت مهاجران

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

در کشوری که حکومت آن قادر نیست، برای کسانی که در داخل این قلمرو می زیند، زمینه های رفاهی را مساعد سازد و حداقل خدمات اجتماعی ارائه نماید، رسیدگی به سرنوشت صدها هزار انسان گرسنه و بی سرپناه که در حال ورود به کشور هستند یک مشکل اجتماعی در کشور محسوب می شود. مهاجرانی که به اجبار از ایران اخراج می گردند، هیچ گونه پذیرایی و زمینه های رفاهی برای آنان در داخل کشور وجود ندارد و ولایات مرزی با دشواری های گوناگون بی سرپناهی و گرسنگی مواجه گردیده اند. طوری که هزاران خانوادهٔ رانده شده از این کشور همسایه در داخل افغانستان در فضای باز به سر می برند. برنامهء اخراج اجباری مهاجران از ایران بحران سیاسی و اجتماعی را در کشور ما به وجود آورد. طوری که در نتیجهٔ این بحران اجتماعی علی الظاهر دو تن از وزیران کابینه محمد اکبر اکبر وزیر مهاجرین و دکتر سپنتا وزیر خارجه قربانی این معضل اجتماعی گردیدند و اعتماد پارلمان را در ادامهء کارشان از دست دادند.

این آغاز کار است بعد از این به احتمال کشور پاکستان نیز از این فرمول استفاده خواهد کرد. طوری که این کشور ظرف سال های اخیر توانست از این مهاجران افغانی در داخل پاکستان سربازگیری نماید و آنها را برضد مردم افغانستان استخدام نماید. آنچه برای حکومت افغانستان شاید درد سر آفرین باشد این است که پاکستان در آینده بخواهد با اخراج دسته جمعی آنها افغانستان را با یک بحران بزرگ اجتماعی رو به رو سازد.

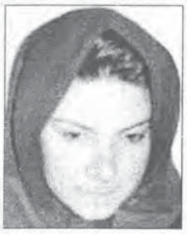
آنچه به عنوان مسؤولیت دولت در این زمینه قابل بررسی است پذیرایی درست از عودت کنندگان به داخل کشور است. متاسفانه ظرف سال های اخیر دولت نتوانست برنامه هایی [illegible] را در جهت پذیرایی از مهاجران روی دست [illegible] دولت می توانست با ایجاد اردوگاه های [illegible] امکانات اولیهء زندگی را برای آنها مساعد سازد. همچنان مهاجران در زمانی مجبور به اخراج می شوند که در داخل افغانستان نه کار وجود دارد و نه امنیت و نه وشرایط بهتر اسکان. بنا بر این فاجعهء انسانی در افغانستان شروع گردیده و این در حالی است که کشور ایران به هر دلیلی که وجود دارد، حاضر نیست، مهاجران غیر قانونی را در این کشور نگه دارد.

این مهم نیست که کشور ایران پناهندگان را به چه دلیلی و به چه شکلی اخراج می نماید، بلکه مهم این است که دولت افغانستان چه برنامه و طرحی برای اسکان مهاجران دارد. افغانستان باید برای ورود چند میلیون انسان پناهنده در خارج کشور، به داخل وطن آمادگی داشته باشد.

این که مهاجران افغانستان قربانی اعمال سختگیرانهء نیروهای انتظامی ایران، پلیس پاکستان و بی توجهی دولتمداران شان و جامعهء جهانی می گردند، سخنی است قابل تأمل اما بی برنامگی دولت در قبال آنان قابل چشم پوشی نیست. طوری که دیده می شود، دولت افغانستان هیچگونه برنامه یی در قبال مهاجران ارائه نکرده است. تا زمانی که دولت افغانستان، جامعهء جهانی، کمیساریای عالی سازمان ملل و... برای حل این مساله به یک توافق دست نیابند، به یقین یک فاجعهء انسانی در راه خواهد بود و افغانستان بحران جدید دیگر را تجربه خواهد کرد.

مهاجرانی که از کشور ایران و پاکستان باز می گردند در حقیقت مهاجران اقتصادی اند و هر کدام از این مهاجران به صورت طبیعی به کاری مشغول بوده اند. این که یکباره صدها هزار کار خود را از دست می دهند و در جمع بیکاران در افغانستان می پیوندند بحران بیکاری را در این کشور به وجود می آورند و دولت را با چالش ها و نگرانی های جدی مواجه می سازند، برای جلوگیری از این کار به یک استراتژی ملی ضرورت است که با کمک جامعهء جهانی باید حل گردد.

"گل دودی" از گلی که دود شد



محمد اسحاق فایز

زنده یاد، نادیه انجمن را بار نخست در یک شب شعر در هرات ملاقات کردم، خدایش ببخشاید، دو غزل نو و نازنین خواند و بر دلم نشست.

فردایش به کابل آمدم و دیگر فرصت های تنگ روزگار، اقبال دیدار را نداد تا آن که خبر دردناک مرگش را شنیدم و او چهره در نقاب خاک کشید.

آنچه از دیدار نخستین به یادم مانده است و هیچ گاه نیز فراموشم نخواهد شد، صمیمیت خواهرانه اش بود، با صدای گیرا و دل نشین که غزل هایش را زمزمه می کرد، تاهنوز که هنوز است در دهلیزهای گوشم سرگردان هستند و گویی هر دم به من نهیب می زنند که:

دریچه را بگشا
آفتاب می تابد
به روی شب در بند
به شب بگوی که ما
به تاج دختر مهتاب جلوهٔ گهریم
ستاره سحر از جنس گوشوارهٔ ماست

(نادیه انجمن/ گل دودی)

مرگ چه نا جوان است گاهی و چه مقدار با قساوت گریبان آدم ها را می گیرد و می کشد به خویشتن. نادیه انجمن، همانند عاصی زنده یاد در بحبوحهٔ جوانی، از نخل گسن بیخ و ساخ فرهنگ سرزمینم همانند ستاک صاعقه زده یی جدا شد و بر خاک افتاد و به این ترتیب، همراه با هرات، افغانستان و همه فارسی گویان در سوگ یک جوانمرگ شاعر دیگر نشستند.

اینک بیش از یک سال از خاموشی چراغ حیات نادیه می گذرد و هنوز تاریکی خانه های دوستانش، تلألویی ندارد و هرات همچنان محروم از استعداد جوان و قریحهٔ نیرومند شاعری نو آفرین است و با دریغ که انجمن های ادبی هرات و کابل، دیگر "انجمن" ی، ندارند.

با این همه جای خوشبختی است که به همت "انجمن قلم افغانستان" چاپ دوم گزینهٔ شعری نادیه انجمن به نام "گل دودی" به بازار آمده است و این می شود گاهنامهٔ دردناک این شاعر جوانمرگ، که من امیدوارم در فرصت های دیگر باقیات آفریده ها او، فراهم آیند و چاپ شوند.

"گل دودی" دود دل دردمند و پر آرزوی نادیه است که آتش مرگ دودش را به هفت آسمان کشید و پیکر دردمندش را به کام خاکی سپرد که ده ها هزار سال است از بلعیدن تن آدمی سیر نمی شود.

این دود، تاریکی ندارد و جانمایهٔ آن رنج سوزناک شاعره یی است که سیالت تخیل شاعرانهٔ آن در هر خم و پیچش هویداست.

کتاب در برگیرنده چهل و یک پارچه شعر نادیه است که در هشتاد و هفت صفحه در کابل از سوی انتشارات میوند در بهار ۱۳۸۵ چاپ شده است. وقتی کتاب را برگ گردانی می کنید می خوانید که نادیه در قوالب غزل و چهار پاره، آزاد و نیمایی، سروده هایش را فراهم کرده بود.

شعر دردناک نادیه نوعی پیش اندیشی هایش را دربارهٔ مرگ او نیز می تواند بنمایاند. وقتی او در سال ۱۳۷۹ قصد برگشت به زادگاهش را می کند (ظاهر قضیه چنین است) این نگاه او به مرگ را در چهار پاره هایی نگاشته است که نامش هم "هنگامه" است. گویی او هنگامهٔ مرگ خویش را سرود وخیلی خوشحال بود که می رود تا از قفس، گنج گرانمایهٔ جان را بدر آرد:

باز تنها منم و جلوهٔ زیبایی شب
باز عاشق شده ام عاشق تنهایی شب
باز مردم همه خوابیده و من مست خیال
جام ها برده ام از ساقی رویایی شب

***

وه چه زیباست که با دیدهٔ دل می بینم
باز مهتاب مرا "دختر من" می خواند
دعوتم می کند از لطف به جان خانهٔ خویش
و به صد ناز و ادا سوی وطن می خواند

***

باز پیرامن دل وسوسه ها حلقه زدند
که از این غمکده بیرون ببرم مایهٔ جان
شاد پرواز کنم سوی افق های سپید
بدر آرم زقفس گنج گرانمایهٔ جان

***

گر از این تیره سرا رخت ببندم چه عجب
خانه ام گوشهٔ از ماه خدا خواهد شد
روح من تا دل انوار خدا خواهد رفت
دل من مأمن آیات بقا خواهد شد

از دوستداران شعر می خواهیم که گل دودی را پیدا کنند و بخوانند. رحمت خدا بر روان نادیه انجمن. بهشت برین جایش باد.

دو شعر از عبدالرزاق فانی

خزف و گهر

طعنه برخسته رهروان نزنید
بوسه بر دست رهزنان نزنید
چون کمان کهنه شد، کمانکش پیر
به هدف تیر ازآن کمان نزنید
تکیه بر زنده گان کنید ای قوم
تاج بر فرق مردگان نزنید
هیچگاهی خزف گهر نشود
خاک در چشم مردمان نزنید
چون خود ازهمرهان قافله اید
همرهء دزد کاروان نزنید
باده با دوست در عیان چو خورید
لقمه با غیر در نهان نزنید

صدف

همه جا دکان رنگ است همه رنگ میفروشند
دل من به شیشه سوزد همه سنگ میفروشند
به کرشمه یی نگاهش دل ساده لوح ما را
چه به ناز میرباید چه قشنگ میفروشد
شرری بگیر و آتش به جهان بزن تو ای آه
ز شراره یی که هر شب دل تنگ میفروشد
به دکان بخت مردم کی نشسته است یارب
گل خنده میستاند غم جنگ میفروشد
دل کس به کس نسوزد به محیط ما به حدی
که غزال چوچه اش را به پلنگ میفروشد
مدتیست کس ندیده گهری به قلزم ما
که صدف هر آنچه دارد به نهنگ میفروشد
ز تنور طبع فانی تو مجو سرود آرام
مطلب گل از دکانی که تفنگ میفروشد

نگاهی به راه نیستان

همنوا

شمارهٔ اول "راه نیستان" - پس از مدت ها انتظار - از چاپ بدر شد و در اختیار شایقان قرار گرفت. این مجله را سفارت افغانستان در انقره و به همت آقای ملکزاد به نشر رسانیده است. معلوم است که تهیه و چاپ نشریه یی با این ضخامت، کار و تلاش زیادی را ایجاب می نماید و مشغولیت های روزمرهء کار در یک سفارت به سنگینی آن می افزاید. بسیار به جا خواهد بود که به آقایان مسعود خلیلی و ملکزاد مستشار آن سفارت و مدیر مسؤول و سردبیر مجله به مناسبت "راه نیستان" تبریک و آفرین گفت.

در اینجا فقط چند ملاحظه و پیشنهاد در مورد این مجله تقدیم می گردد که شامل محتویات و مطالب مقالات نیست بلکه می توان گفت که یک نگاهی از برون به نشریهء راه نیستان است:

۱- گروه مشورتی: در صفحهء سوم (شناسنامهء مجله) نام تعدادی از استادان به حیث گروه مشورتی ذکر گردیده ولی معلوم نیست که چگونه و در چه مورد یا مواردی با آنها مشورت صورت می گیرد؟ و آیا آنها به شکل یک گروه و دسته جمعی در امر مشوره دهی با هم شریکند؟

بدون شک هرگاه مشوره یی در کار باشد، تیلفونی، نامه یی یا پست الکترونیک خواهد بود!

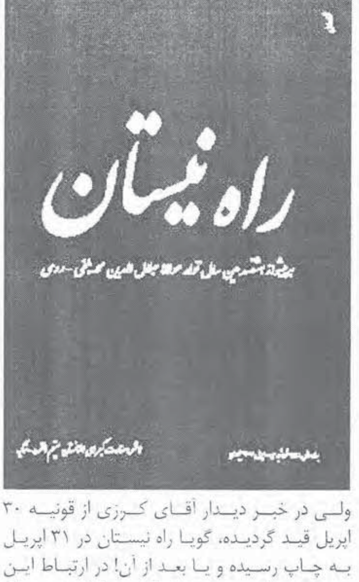
۲- هیأت تحریر: در صفحهء سوم، اسمای هفده نفر به حیث هیأت تحریر درج گردیده است ولی روشن نیست که کار این هیأت چیست؟ به باور اهل مطبوعات و رسانه ها، هیات تحریر کسانی اند که صاحب خانهء یک نشریه شناخته می شوند و سیاست و پالیسی نشراتی آن را تهیه و رهبری می نمایند. هیأت تحریر نویسندگان و ویرایشگران دایم نشریه می باشند و معمولاً هم مقالات از نظر آنان گزارش می یابد و بدین ترتیب در کنار مدیر مسؤول، مسؤولیت نشر مطالب و انتخاب مقالات نیز با آنان است. ولی این هیأت در مجلهء راه نیستان چگونه عمل می کنند؟ از جمع هفده نفر فقط مقالهء شش نفر از آنان به چاپ رسیده است! و هر کدام در یک گوشه یی از دنیا اقامت دارند و محتمل به نظر نمی رسد که مقالات را نیز آنان - قبل از نشر - دیده باشند!

۳- نام سرمقاله نویس - برخلاف معمول - توأم با عکس او در صفحهء نهم به چاپ رسیده است! و این نام بازهم در پایان این سرمقالهء طویل در صفحهء نزدهم تکرار شده است.

۴- در صفحات ۵ و ۶ خبر دیدار حامد کرزی از آرامگاه مولانا بدون عنوان آمده ولی در فهرست مطالب، به آن عنوان فوق داده شده است.

۵- در فهرست مطالب، نام نویسندگان ذکر شده است.

۶- در روی جلد تذکر یافته که "راه نیستان" در اپریل ۲۰۰۷ به چاپ رسیده است



ولی در خبر دیدار آقای کرزی از قونیه ۳۰ اپریل قید گردیده، گویا راه نیستان در ۳۱ اپریل به چاپ رسیده و یا بعد از آن! در ارتباط این موضوع، مجله یی به نام "میهن" که در سال های مقاومت و بعد از آن در مشهد به چاپ می رسید، در شمارهء ماه حمل و ثور ۱۳۸۱ در روی جلد چند عنوان صفحات داخلی را نشر نموده بود:

- بیانیهء احمد ولی مسعود در لویه جرگه (ماه جوزا)
- شهادت حاجی عبدالقدیر (ماه سرطان)
- استرداد استقلال کشور (ماه اسد)
- سالگرد شهادت احمد شاه مسعود (ماه سنبله)

گویا این مجله یی که در ماه حمل و ثور به نشر رسیده است وقایع حد اقل چهار ماه بعد را نیز پیش بینی و در مورد آن مطلب و گزارش دارد!!

۷- تاریخ نگارش مقالات روشن نیست! "از بلخ تا قونیه" از استاد خلیلی در صفحهء بیست که طبق خبر رادیو تهران در ۷ عقرب ۱۳۳۶ محفلی از سوی یونسکو در تهران برپا شد و شام همان روز خطابهء استاد خلیلی از رادیو کابل نشر گردید!

۸- عکس های نویسندگان در صفحات ۷، ۱۹۳ و ۲۱۲ تازه به نظر نمی رسد و گمان نمی رود که عکس های جدید و امروزی باشد.

۹- حیات و وفات نویسندگان نیز معلوم نیست و بنده نمی دانم که پوهاند غلام حسن مجددی - در صفحهء ۵۲ حیات اند؟

۱۰- بهتر بود در پاورقی صفحات نخست مقالات، نویسندگان هر مقاله به صورت بسیار کوتاه معرفی می گردیدند.

این بود چند ملاحظه و پیشنهاد و امیدوارم که مدیر مسؤول این نشریه یی وزین بدان توجه نمایند و در صورت صواب بودن آن، در شماره های بعدی در نظر گیرند.

یاد کردهایی از دیوار قونیه و بارگاه مولانا جلال الدین بلخی

دکتور شمس الحق اریانفر

مولانا را بزرگ می داریم. مولانا جلال الدین محمد بلخی، عارف بزرگ و اندیشمند مخلد زمانه ها را که ملای رم، خداوندگاربلخ. قطب العاشقین، مفتاح عالم نور وسرالله الاکبرش خوانده اند. در راستای این بزرگداشت، بارگاه مولانا را فرا دید می آریم،آنجا که شمس تبریز بساط تدریسش را به سلطنت عرفان گره زد، آنجا که مولانا آموزش و تدریس را آغازید، جایگاهی که مولانا عشق را تجربه کرد و از خامی به پختگی و سوختن رسید. درتداوم این پویش، رو به قونیه می نهیم. قونیه باشگاه مولانای عالم و معلم، و زایشگاه جلال الدین عارف و عاشق.

قونیه یکی از ولایات ترکیهٔ امروز در۲۸۰ کیلومتری جنوب انقره موقعیت دارد. قونیه بعد از فروپاشی حکومت وسیع سلجوقیان، نخستین مرکز سیاسی ترکیه در سده های ۶ و ۷ و بزرگترین شهر عرفانی روزگار، در زمان معاصراست.

در روزگار علاؤالدین کیقباد و اسلاف و اخلافش، قونیه، شهر مهم مرکز حکمروایی آن دودمان و گذرگاه بزرگان دین و عرفان بود.

شیخ اشراق سهروردی، سعدالدین جندی، فخرالدین عراقی، سعدالدین حموی، محی الدین بن عربی، سراج الدین قیصری،

نجم الدین رازی، سلطان العلما بهاالدین ولد، برهان الدین محقق تبریزی و شمس تبریزی، بزرگانی اندکه رو به این شهراورده و یا بارها به آن گذر داشته اند.

سلطان العلماء با فرزند نوجوان خود جلال الدین محمد و خانواده، بعد از ترک بلخ و مسافرت در چند شهر و زیارت بیت الله شریف، در "ادرنه". یکی از ولایات امروزی ترکیه ساکن شد. در همان شهر بود که جلال الدین ۱۸ ساله با گوهر خاتون دخترخواجه لالای سمرقندی ازدواج نمود.

علاؤ الدین کیقباد، سلطان العلما را باخانواده اش به قونیه دعوت نمود، در قصر سلطنتی اش . که تا امروز در مرکزشهر قونیه به عنوان یک قلعهٔ بزرگ تاریخی محفوظ است و نگهداری می شود، از او پذیرایی کرد: و محل زیبایی را به نام "گلخانه" برای اقامت او تعیین نمود.

قونیه شهرعرفان

با حضور سلطان العلماء، به عنوان بزرگترین عالم مهاجر خراسان و بسط بساط تدریس، قونیه که مرکزسیاسی بود، امارت تدریس و تعلیم دین را نیز در منطقه از آن خویش ساخت. ظهور شمس تبریزی، شکوه عشق مولانا جلال الدین بلخی و تداوم سلسلهٔ مولویه با سماع عارفانه، سلطنت عشق و عرفان را در قونیه اساس گذاشت: و این روزگاری است که با زوال دودمان کیقباد، قونیه مرکزیت سیاسی خود را از دست می داد.

رو به قونیه می نهیم تا بارگاه مولانا را دریابیم، مولانایی که ۸۰۰ سال است بلامنازع سلطنت عرفان را به خویش اختصاص داده است. مولانایی که بعد از ۸ قرن، درآن سوی آب ها در امریکا امروز محبوب ترین شاعر زمان است و جهان سال ۲۰۰۷ را به نام او می شناسد. حرکت از انقره به سوی قونیه، آرام، آرام ذوق و حالی را ایجاد نموده است. بهروز خالقی یکی از یاران ما، از ترجمان کاغذ خواست و به نوشتن مصروف شد، دانستم که چیزی می سراید ابیاتی را به سلام مولانا نگاشته بود که وعده کرد برایم بدهد. نگارنده که جز به تفنن شعری نمی سرایم، نیز حالتی را در خویش یافتم و مصداق همان سخن مولانا شدم که گفته بود. "زاهد بودم ترانه گویم کردی" قلم وکاغذ در دستم بود، ابیاتی درفرصت رسیدن تا شهرقونیه در موتر ایجاد شدکه می خوانید.

پرتوی بالنده یی ز اشراق جان آمد برون
آذرخشی از محاق چون کهکشان آمد برون
نوری از بلخ گزین تا قونیه دامن کشید
آدمیت را بلوغ اطمینان آمد برون
بر روان نار هستی زایش امید رفت
عشق را هنگامهٔ از لامکان آمد برون
دهر را پیمانه و پای خرد درگل بخفت
نردبان حق ازآن تا آسمان آمد برون
شد زمین وهم آشیان غفلت و ادبار و ننگ
زان جهان را عاملی بهرجهان آمد برون

بارگاه مولانا جلال الدین در مرکز شهر قونیه، و در یک محوطهٔ مستطیل شکل واقع است این محوطه که زمانی دانشگاه و بعد مرکز عشق و سماع و اینک آرامگاه سلطان العلماء، مولانا، سلطان ولد، و یاران طریقهٔ مولویه است، چهار دروازه دارد. دروازهٔ درویشان، دروازهٔ گستاخان، دروازهٔ شاهان، دروازهٔ چلپیان

ظهر روز ششم حوت ۱۳۸۵ برابربا ۲۴ فبروری ۲۰۰۷ است و ما در یک هیأت هفت نفری به قونیه رسیده ایم. عبدالحفیظ منصور، واقف حکیمی، بهروزخالقی، قاضی راحله، قاضی سراجی، محمود واثق، و نگارنده به سوی مرکز شهر از چهار راه بلخ که در مدخل شهر واقع است، حرکت کردیم.آری جستجوی مولانا را باید از بلخ تا قونیه آغازکرد. قونیه شهری است با بناهای قدیمی که شهر را سیمای تاریخی و عرفانی بخشیده است. قلعهٔ قدیم علاالدین کیقباد که روزگاری مهد فرمانروایی بوده، و امروز از آن جز مسجد و آرامگاه، علاالدین کیقباد، سلطان مسعود اول، قلج ارسلان چهارم، رکن الدین سلیمان دوم. غیاث الدین کیخسرو اول، دوم و سوم که همه در یک مقبرهٔ مدور مدفونند، چیزی برجا نمانده است. مسجد و مقبرهٔ شمس تبریزی و بارگاه مولانا جلال الدین بلخی رومی درکنار سایر مساجد و مدرسه های کهن. از بناهای با عظمت قونیه است.

بارگاه مولانا

بارگاه مولانا جلال الدین در مرکز شهر قونیه، و در یک محوطهٔ مستطیل شکل واقع است این محوطه که زمانی دانشگاه و بعد مرکز عشق و سماع و اینک آرامگاه سلطان العلماء، مولانا، سلطان ولد، و یاران طریقهٔ مولویه است، چهار دروازه دارد. دروازهٔ درویشان، دروازهٔ گستاخان، دروازهٔ شاهان، دروازهٔ چلپیان.

از دروازهٔ درویشان که در چوبی دو پله با عرض کمتر از دو متر بود داخل شدیم. تذر و یادالان سرپوشیده یی به طول ۴ متر ما را به صحن آرامگاه مولانا رساند. در مقابل ما در مرکز صحن محوطه، آرامگاه مولانا با گنبد سبز بلند خود نمایی داشت. اما درختم دالان در دو سمت چپ و راست حجره هایی قراردارد که سخن از حیات مولانا و از دوران تدریس عشق و سماع او دارد. در سمت چپ دروازهٔ درویشان متصل به دیوار محوطه ۱۴ حجره وجود دارد، حجره هایی که در روزگار مولانا مرکز تدریس و ارشاد بوده است. در مقابل حجره ها دهلیز کم عرض و طولانی وجود دارد که درب همه حجره ها به همین دهلیز باز می



شود.

حجرهٔ اول "پوست نشین" نام دارد. هیکلی که مولانا را با همه عبا و قبایش نشان می دهدکه درکنج این حجره نشسته است. پیداست که مولانا در همین حجرهٔ نخستین می نشسته و در خدمت طلاب و عاشقان بوده است. این حجره با تابلوهایی از خط فارسی و به همان شکل وشمایل قدیمی حفظ گردیده است: به گونه یی که احساس می کنی واقعاً با مولانا مقابل قرار داری.

حجرهٔ دوم "مثنوی خوان" نام دارد. این حجره نیز باهمان سیمای قدیمی است و در وسط آن پیگرهٔ مرد نشسته با لباس قدیمی و دستارعارفانه و ریش، که درمقابل آن کتاب مثنوی بالای لوحی قراردارد. دیده می شود گویی در این اتاق پیوسته اوای مثنوی بلند بوده است. بقیه ۱۲ حجرهٔ دیگر، که محل



درس و ارشاد بوده، اکنون بسته است و در محل درب حجره ها طاقهایی ساخته اندکه درآن آثار، قدیمی گذاشته شده و موزیمی است عرفانی وتاریخی. کجکول عصر ۱۹. ماشه ها (میله های فلزی و یا نقره یی به طول ۶۰ یا ۷۰ سانتی) که سمبل درویشان بوده است، تبر قرن ۱۹، "نفیر" (گونه یی از. نی که شکل مقوس دارد) دیوات های رنگ . بکس پسته رسانی صد سال قبل. تصویر نقاشی شدهٔ مولانا. نمونه های تکه های قرن های ۱۷ و ۱۸ قونیه ازآثاری است که درتاق های این حجره ها به نظر می رسد.

در بالای درب حجره های پوست نشین و "مثنوی خوان" تابلوهایی نصب گردیده که در آنها نمای نخستین مقبرهٔ مولانا که گنبد سبز آن روی چهار فیل پایه استوار است. تصویر حسام الدین در حال نوشتن و مولانا درحال بیان و سرایش مثنوی به او. تصویر دیدار شمس و مولانا در حالی که بر اسپ سوار است، دیده می شود.

درکنار درحجرهٔ پوست نشین. درکنج دهلیز روی یک میز. پیکره های کوچک که رقص سماع را نشان می دهد. جا به جا شده است.

حجره های سمت چپ را رها می کنیم، و به جانب راست دروازه درویشان می چرخیم. در قسمت راست دو حجره است که شاید جای مریدان و یا دفتر ادارهٔ مدرسه بوده و قدیمی است اما فعلاً دفتر اداری بارگاه مولانا درآنجا قرار دارد. چسپیده به این دو حجره، اما در بدنهٔ دیگر محوطه، مطبخ قدیمی قراردارد. مطبخ از روزگار مولانا هم جای غذا بود و هم جای ریاضت و پخته شدن سالک در راه عرفان و معنویت. گویی راهرو عشق مراحل خاصی تا پخته شدن و سوختن را در مطبخ سپری می کرده است.

زمانی که در مطبخ داخل می شوید، در سمت چپ، نرسیده به صحن مطبخ، فرو رفتگی تاق گونه یی وجود دارد به عمق یک و نیم متر، عرض یک متر، بلندای دو متر، فرش این تاق گونه که "حجرهٔ نو نیاز" خوانده می شود، حدود شصت سانتی از زمین و از صحن مطبخ بلند است. پیکرهٔ مردی در حال نشسته روی زانوها (به گونهٔ نشستن درقعدهٔ نماز) در این حجره دیده می شود.

این نشان می دهد که علاقمند و نیازمند عشق وقتی به درگاه مولانا می آمد، مراحل پخته شدن را از اینجا آغاز می کرد. مرد نیازمند و یانونیاز، درقدم اول باید سه شب و روز روی دو زانو می نشست و تفکر و تضرع می کرد. اگر سالک از این ورطه می گذشت به مرحلهٔ دوم می رسید، در غیرآن می رفت. مرحلهٔ دوم، انجام رقص سماع بود که یک هزار و یک شب و روز ادامه داشت.

ادامه در ص٦

ناتوانی دولت از ایجاد محیط مناسب برای سرمایه گذاری

ابوبکر سبزوار

یکی از مشکلاتی که تجار ملی در این حالت به آن مواجه اند این است که برخلاف اصول اقتصاد بازار آزاد که قیمت ها را عرضه و تقاضا تعیین می کند، نرخ رشوت و باج از این قاعده تبعیت نمی کند. باجگیران در موقف انحصاری قرار دارند و این خود به مشکل تجار خصوصی می افزاید

به روزهای دوشنبه و سه شنبه ۱۴ و ۱۵ ثور کنفرانس بین المللی تحت نام محیط مناسب برای سرمایه گذاری، در هتل سرینا در کابل با سخنرانی آقای حامد کرزی رئیس جمهور و با حضور شخصیت هایی چون شهزاده کریم آقا خان دایر شد. در این کنفرانس احمد بداوی نخست وزیر مالیزی نیز طی یک بیانیهء ویدیویی، از طرف کشورش کمک به رشد بخش خصوصی در افغانستان را وعده سپرد.

بسیاری از خود می پرسند که این گونه کنفرانس های پر مصرف بجز از راه بندان در مرکز شهر کابل چه تأثیری در زندگی مردم عادی افغانستان خواهد داشت.

به دور از ایراد سخنرانی ها و طرح برنامه هایی که در چنین کنفرانس ها صورت می گیرد، وضعیت سرمایه گذاری در افغانستان و فعالیت بخش خصوصی بسیار نگران کننده است.

در طول پنج سال گذشته دولت افغانستان شعار های فراوان در حمایت از سرمایه گذاری در بخش خصوصی داد اما این نکته کاملا روشن است که سرمایه گزران حتی در کابل و در حضور هزاران سرباز و پلیس ملی احساس امنیت نمی کنند. رهزنی مسلحانه در روز روشن وبا یونیفرم پلیس حتی در محلات بسیار پررفت و آمد جلوی چشم مردم صورت می گیرد که تا کنون هیچ کدام از این گروه های مسلح راهزن دستگیر نشده اند. این مساله برای ادارهء حمایت از سرمایه گذاری خصوصی (ایسا) نیز موجب نگرانی است. ایسا مدتی قبل اعلان نمود که نگرانی های تجار و سرمایه گذاران از وضع امنیتی موجب کاهش سرمایه گذاری در افغانستان شده است.

این کنفرانس در شرایطی برگزار شد که موتر دارانی که اموال تجارتی را از پاکستان به کابل انتقال می دهند، یک بار دیگر در اعتراض به چپاولگری های (پاتک های ملی) دست به اعتصاب زدند. آنان مدتی قبل نیز دست به اعتراض مشابه زده بودند که فعالیت های ترانسپورت انتقال اموال برای چند روز به رکود مواجه گردید و در آن موقع گویا بعضی از مقامات به آنان وعده داده بودند که جلو این پاتک های ملی را که به وسیلهء نیروهای انتظامی به وجود آمده است خواهند گرفت اما این وعده عملی نشد.

نبود امنیت که موجب کاهش در سرمایه گذاری می گردد تنها متوجه گروه های مسلح مخالف نمی شود بلکه نهاد های امنیتی و دستگاه های تطبیق قانون، بیش از دیگران به ایجاد فضای نامناسب برای سرمایه گذاری در بخش خصوصی مقصرند.

وقتی موتر حامل اموال تجارتی از تورخم بارگیری مئی کند، و باید مجوز مخصوص ترازو را که ظاهراً برای کنترل بار از نظر وزن برای جلوگیری از وارد آمدن صدمه به جاده ایجاد شده است دریافت نماید. هرچند بار مطابق به معیار هم باشد، اگر رشوت ندهد اجازهٔ تردد نخواهد یافت، در صورت دادن رشوت هرچند که بار بیشتر از حد معیاری باشد و وسیلهء نقلیه موجب خرابی جاده هم گردد، اجازه داده خواهد شد. اخاذی از همین ترازو آغاز شده و به دنبال ان در هرقدم، پوسته های امنیتی مطالبهء پول دارند. این مساله تنها در شاهراه تورخم کابل نیست. در همه مسیر هایی که موتر ها اموال تجارتی را انتقال می دهند آسمان به همین رنگ است!

باجگیران رسمی دست کمی از زرداد خان فریادی ده سال قبل ندارند، فرق شان این است که اینها یونیفورم دارند و ادعا می کنند که این پول را فقط برای خود نمی گیرند بلکه سهم کلان از آن بزرگان خواهد بود.

من نمی دانم که این ادعا تا کدام حد درست است اما این که با وجود شکایت های مکرر، تاکنون در میزان اخاذی ها و زورگیری ها کاهشی به مشاهده نمی رسد نشان می دهد که آب از سرچشمه گل آلود است.

تجار ملی هم که با ملت پیمان اخوت نسته اند تا مصارف را از جیب خود بپردازند. آنها هم پول زورگیری ملی را بالای قیمت اجناس اضافه می کنند و به این ترتیب، این باجگیران ملی مستقیما دست در جیب مردم دارند. زیرا این قشر مستهلک است که باید در نهایت به باجگیران پول بپردازند نه تجار ملی.

یکی از مشکلاتی که تجار ملی در این حالت به آن مواجه اند این است که برخلاف اصول اقتصاد بازار آزاد که قیمت ها را عرضه و تقاضا تعیین می کند، نرخ رشوت و باج از این قاعده تبعیت نمی کند. باجگیران در موقف انحصاری قرار دارند و این خود به مشکل تجار خصوصی می افزاید زیرا یک تاجر نمی داند قیمت اموال تجارتی خود را که در هرات بارگیری شده قبل از رسیدن به کابل تخمین نماید!!

اما براستی حکومت که بارها موجب اعتراض مردم شده خبر ندارد، باید گفت این بزرگترین عیب برای یک حکومت است که چنین حکومتی واگر بی خبر نیست ولی کاری انجام نمی دهد، مشخص است که خود در این باجگیری و چپاول دست دارد و همین حکومت مانع بزرگ بر سر راه ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی در افغانستان است.

وزارت مالیهء کشور اعلام می دارد که مردم فقط به پرداخت آن تکس و مالیاتی مکلفند که از طرف دولت وضع گردیده و به خزانهء دولت می ریزد اما با حرف نمی توان از خود رفع مسؤولیت کرد. وقتی "تفنگدار مسؤول" از مردم به زور پول می گیرد این وظیفهء دولت است تا از این کار جلوگیری نماید. در غیر آن فرقی میان تفنگدار مسؤول و غیرمسؤول باقی نمی ماند.

فکر می شود با چنین نا رسایی ها و دشواری هایی که در راه سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشور وجود دارد، برپا کردن این کنفرانس و کنفرانس های مشابه دیگر به سان تعارف کردن علوفه برای گوسفند جهت کوبیدن عصا بر فرق وی خواهد بود که نتیجه یی جز رسیدن گوسفند به دنبال نخواهد داشت، و این قطعنامه ها و سخنرانی ها حرف هایی بیهوده یی بیش نخواهد بود.

یاد کردهایی از دیوار قونیه و بارگاه مولانا...

پیشگاه مطبخ، حدود یک متر بلند تر از سایر بخش های مطبخ است. در آنجا در یک قسمت تختهٔ رقص سماع به چشم می خورد. در وسط این تختهٔ مربع شکل، یک میخ چوبی وجود دارد. رقاص، انگشت شصت پای چپ خود را بالای آن می گذاشت و به چرخ ادامه می داد، به خاطر خوب چرخیدن روی آن نمک می پاشند.

درکنار آن پیکرهٔ مردی با لباس سفید و در حال رقص سماع دیده می شود. در وسط این محل به تعداد هفت مرد در حال نشسته دور یک میز مدور به ارتفاع ۴۰ سانتی دیده می شوند در حالی که یک مرد دست به سینه در عقب آنها ایستاده و گوش به فرمان خدمت است. می گویند: اگر یکی از افراد حلقه ضرورتی می داشت، صدا نمی کرد، فقط سرفه یی می نمود و آن خدمتگذار گوش خود را نزدیک می کرد و هدایت می گرفت.

در گوشهٔ دیگر این محل پیکرهٔ سه مرد در حال نشسته دیده می شوندکه مقام آنها برتر از افراد دیگراست.

در قسمت راست دروازهٔ مدخل اتاق بعد از دهلیز کوتاه، رو به روی حجرهٔ نونیاز دیک های آش پزی روی دیگدان دیده می شود و دو نفر خادم که لباس های خاص همراه با تبراق جمع آوری نان درگردن شان، ایستاده اند نشان می دهدکه اینها مسؤولان مطبخند و وظیفهٔ جمع آوری و وظیفهٔ رفتن برای گرد آوری نان را به دوش دارند.

بعد از خروج از مطبخ، در صحن محوطه. بارگاه مولانا با گنبد سبز و ملحقاتش که در یک مجموعه است نظر را به خود جلب می نماید. در سر در مدخل بارگاه نوشته شده است: باحضرت مولانا.

مجموعهٔ آرمگاه، مولانا از داخل مربع شکل است که گنبد سبز مولانا تقریباً درکنج شمال غربی آن پیوسته با دیگر بخش ها دریک کلیت خود نمایی دارد.

وقتی از دروازهٔ مدخل بارگاه داخل شدید، در اتاق مربع شکلی خود را می یابید، این جا را "اتاق تلاوت" می گویند. در روزگار پیشین در این جا همیشه تلاوت جریان داشته است، اما اکنون تلاوت نمی شود و در دیوارهای این اتاق نمونه های خط فارسی، نصب گردیده است که به زبان فارسی، عربی و ترکی نگارش یافته است.

اتاق بعدی "حضور پیر" نام داردکه دروازهٔ آن از داخل اتاق تلاوت باز می شود. در سر در "اتاق حضور پیر" این بیت نوشته شده است.

کعبهٔ عشاق باشد این مقام
هرکه ناقص آمداینجا، شدتمام

حضور پیر اتاقی است به طول شاید ۱۵ تا ۱۸ متر و عرض شاید ۱۰متر. سمت راست اتاق به وسیله دیوارهٔ مشبکی به فاصلهٔ شاید ۴ متر به درازی طول اتاق جدا شده است. این محوطه مستطیل است با طول ۱۸ متر و عرض چهار متر، دو فیل پایهٔ گنبد مولانا، در فاصلهٔ ۱۰ و ۱۴متری این مستطیل جا یافته است. بعد از فیل پایهٔ دومی باز هم مستطیل مذکور تا ۴ متردیگر ادامه دارد. دو فیل پایهٔ دیگرگنبد مولانا در امتداد کلی مجموعه قرارگرفته است.

در این مستطیل طولانی که ۴ متر عرض دارد، قبرهایی دیده می شود همه پوش های تکه یی دارند و برفراز سرآنها دستاره های پیچده درکلاه به گونهٔ عرفا، گذاشته شده است. این قبرها مربوط به دودمان حضرت مولاناست، در زیر گنبدی که در امتداد مستطیل قرار دارد،آرامگاه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی ارمگاه سلطان ولد، و ارامگاه سلطان العلما پدر مولانا قرار دارد.

قبرحضرت مولانا بزرگتر از همه قبور دیگراست و قبرسلطان العلما با یک لوحهٔ زرد رنگ به ارتفاع شاید دو نیم متر و عرض یک متر نشان داده شد که در بالای این لوحه، دستارگذاشته شده است.

می گویند: زمانی که مولانا وفات کرد، خواستند او را در پایان پای پدرش دفن نمایند در همین زمان سلطان العلما، به احترام مولانا به پا خاست و ایستاده شد بعد از آن مولانا را در بالای سر پدرش دفن کردند و قبر سلطان العلما را همچنان ایستاده، مشخص کردندکه به حرمت فرزندش مولانای بلخ قامت افروخته است.

بعد از گنبد در فاصلهٔ چهارمتری دیگر و امتداد آن به طرف چپ و پیشگاه اتاق، قبرهای دیگری است که از حسام الدین چلپی و دیگر یاران و شاگردان مولانا می باشد.

موازی با مستطیل چپ اتاق، در سمت راست اتاق نیز مستطیلی به عرض شاید یک متر و ۲۰ سانتی و طولی به درازی اتاق، بلندتر از سطح اتاق موجود است که در آن به امتداد هم چند قبر به مشاهده می رسد این قبور مربوط بزرگان طریقهٔ مولویه است.

زمانی که در اتاق حضور پیر، حدود ۱۰ متر پیش رفتید، گنبد و قبر مولانا در شانهٔ چپ شما قرار می گیرد. روی خود را۹۰۱ درجه به راست می گردانید، درست در مقابل آرمگاه مولانا قرار می گیرید. به روان پاک آن عارف بزرگ و یاران و راهیانش دعا و درود می فرستید.

بعد از آن ۱۸۰درجه به عقب بر می گردید. در این لحظه در برابر شما اتاق بزرگ و مربع شکلی قرار می گیرد که موسوم به اتاق "رقص سماع" است. همچنانی که پیش می روید در سمت راست اتاق خانه های دو منزله دیده می شود که در منزل اولین مردها، در منزل دوم زنها برای تماشا رقص سماع می نشسته اند. در صحن این اتاق که شاید ۱۰ در ۱۰ متر باشد، رقص سماع صورت می گرفته است.

فعلاً در صحن این اتاق و در منزل اول خانه های دو منزلهٔ همین اتاق مثنوی شریف، دیوان کبیر و لبا س های حضرت مولانا و سلطان ولد در داخل الماری های شیشه یی جا بجا شده است.

مثنوی خطاطی شده در ۶۷۷، پنج سال بعد از وفات حضرت مولانا، دیوان کبیر نسخهٔ حدود صد سال بعد از مولانا، جای نمازحضرت مولانا، تسبیح، چپن، جیلک، دستمال گردن، فرجی و یا جیلک خواب مولانا، همراه با لباس سلطان ولد، انواع نی ها، رباب، دف و دو تار مولانا از شمار آثاری است که در اتاق رقص سماع جا بجا شده است.

اتاق رقص سماع در سمت چپ در جهت مدخل آرامگاه، بایک دیوار مشبک از مسجد جدا گردیده است. محراب مسجد به طرف اتاق حضور پیر است. در صحن این مسجد که به ارتفاع ۵۰ سانتی نسبت به اتاق رقص سماع بلند است، نسخه های خطی قرآن شریف، مثنوی، دیوان کبیر و دیگر نسخه ها قرار دارد.

در نقطهٔ مرکزی مسجد، در داخل یک الماری شیشه یی، صندوقچهٔ کوچکی قرار دارد که در آن یک موی مبارک حضرت پیام محمد(ص) قرار دارد. این صندوقچه سال یکبار باز می گردد و آن تار موی که به رنگ سیاه و سفید است به مردم نشان داده می شود. می گویند در آن روز در قونیه و در راه قونیه از شدت ازدحام، مجال گشت زدن و سفر وجود ندارد.

با ختم بازدید از مسجد از دوازه خارج می گردی. درحقیقت همین، دروازه، دروازهٔ دخولی مسجد است و در ردیف دروازهٔ دخولی بارگاه مولانا به فاصلهٔ ۱۵ متری آن قرار دارد. وقتی از دور و از صحن محوطهٔ آرمگاه تماشا می نمائید. در دیوار مقابل شما، دروازهٔ بارگاه مولانا و دروازهٔ مسجد درکنار هم به فاصلهٔ ۱۵ متر از هم دیده ها را به خود جلب می نماید.

بعد از این زیارت و دعا و مشاهدهٔ بارگاه. اکنون که در صحن محوطه قرارداری، ناگزیری دعای وداع را نمایی و از آنجا با ادای حرمت و احترام خارج گردی.



نگاهی به قانون رسانه ها در افغانستان

صدیق الله توحیدی

قانون رسانه های افغانستان بعد از چند ماه بحث وجدل از سوی پارلمان افغانستان در یازده فصل وپنجاه وسه ماده بتاریخ اول جوزای سالروان تصویب وبه مجلس سنا فرستاده شد.

همزمان با آن وزارت اطلاعات وفرهنگ ضمیمه یی را نیز جهت آوردن تعدیلات به مجلس فرستاد که به دلیل تدوین نادرست و نبودن نظریهٔ ریاست تقنین وزارت عدلیه دران مورد توجه پارلمان کشور قرار نگرفت.

به باور کار شناسان حقوقی و رسانه یی این قانون بهتر از قانون توشیح شده قبلی بوده است . زیرا مواردی براین قانون افزوده شده که درقانون گذشته بدان توجه نشده بود.

در قانون گذشته حق جواب دادن بصورت صریح وجود نداشت اما قانون تازه این حق را محفوظ نگهداشته و میعاد ۹۰ روزه را معین کرده است.

هکذا در قانون گذشته تمام رسانه ها ملزم به تادیه مالیه بودند اما درماده ۵۳ قانون رسانه های همه گانی، مطبوعات چاپی ازاین امر مستثنا قرارداده شده است.

براساس این قانون، رادیو تلویزیون ملی از چوکات وزارت اطلاعات وفرهنگ مجزا و تحت اثر هرسه قوهٔ دولت فعالیت خواهد کرد، چیزیکه داکتر رهین، وزیر سابق اطلاعات وفرهنگ به انواع ذرایع سعی کرد بصورت غیر مستقیم ازآن جلوگیری نماید و گفته میشود آقای خرم، وزیر برحال وزارت اطلاعات وفرهنگ نیز سعی نمود تا این ماده از قانون رسانه ها حذف گردد.

طرحی تعدیلی که از سوی کمیسیون دینی وفرهنگی پارلمان تهیه وبه مجلس عمومی فرستاده شده بود نگرانی های زیادی را در محافل خبرنگاری وروزنامه نگاران به وجود آورده بود اما به اثر تماس های مداوم اتحادیه های خبرنگاری و گروه کاری قانون رسانه ها که توسط برخی از روزنامه نگاران تشکیل شده بود با نماینده گان مردم با ارسال پیشنهاد های سالم وسازنده به پارلمان سبب شد تا موارد زیادی از این پشنهادات در متن قانون گنجانیده شود.

طرح تعدیلی کمسیون دینی وفرهنگی رسانه ها بدو دسته تقسیم شده بود: دولتی و غیر دولتی. اما درقانون تازه همان کلمات رسانه های آزاد، مستقل وکثرت گرا به کار گرفته شده است. به همین منوال در طرح تعدلی رادیو وتلویزون ملی در چوکات وزارت اطلاعات وفرهنگ ابقاء شده بود اما در قانون جدید ، آزادی این رسانهٔ ملی حفظ گردیده و در چوکات دولت فعالیت خواهند کرد.

حق کاپی رایت (حق نسخه برداری) در طرح یاده شده از قلم افتاده بود که درقانون مصوبه پارلمان این ماده حفظ گردیده و پیشبینی شده است که برای آن قانون جداگانه باید تدوین و تصویب گردد.

روی همرفته قانون تصویب شده درپارلمان در منطقه، بینظیر بوده وآزادی های داده شده درقانون برای رسانه ها، زمینهٔ رشد وپویایی رسانه ها را فراهم خواهد کرد به این شرط که قانون به منصه اجرا قرار گیرد

درقانون تازهٔ رسانه های افغانستان بر اصل آزادی بیان تاکید شده ودولت مکلف شده است تا مطالب مطالبه شده را دراختیار رسانه ها وشهروندان متکی بر مفاد قانون اساسی قرار دهد.

همچنان در قانون رسانه های افغانستان، همه رسانه های کشور ملزم گردیده اند تا در برنامه های خویش صداقت، بیطرفی وتوازن را مرعی دارند وهم سعی نمایند تا مطالب آموزشی ، تعلیمات صحی و مبارزه با کشت وقاچاق مواد مخدر را بگنجانند.

براساس قانون رسانه ها، رسانه های افغانستان ملزم می باشند تا کالا های رسانه یی خویش را منطبق بر اصول واحکام اسلامی تهیه وبدست ونشر بسپارند.

در مورد شورای عالی رسانه ها نیز باید گفت که ریاست آن انتخابی است اما مسوولان دولتی ازحیث تعداد، بیشتر از نمایندگان جامعه مدنی ونهاد های صنفی خبرنگاران درنظر گرفته شده است.

با وجود خوبی های یاد شده نکات نگران کننده یی نیز دراین قانون وجود دارد که میتوان برآن ها انگشت گذاشت.

به عنوان مثال همه رسانه ها مکلف گردیده اند تا مواد نشراتی خویش راتا یکسال آرشیف نمایند که این امر برای رسانه های تصویری وصوتی خالی از اشکال نیست.

در قانون گذشته کمیسون های مستقل رادیو تلویزیون ملی ، آژانس اطلاعاتی باختر، کمیسون رسانه های خصوصی ، کمسیون بررسی تخطی رسانه ها و شورای عالی رسانه ها پیشبینی شده بود که در قانون تازه صرف شورای عالی رسانه ها ، کمسیون رسانه های همه گانی وکمسیون مستقل رادیو تلوزیون ملی تسجیل گردیده است.

حذف کمیسون آژانس اطلاعاتی باخترسبب شده است تا این خبرگزاری کماکان درچوکات وزارت اطلاعات وفرهنگ باقی مانده ومبدل به یک ایستگاه خبررسانی ملی نگردد درحالیکه سعی برآن بود تا خبرگزاری باختر نیز مستقل گردیده ودرچوکات دولت بصورت سرویس خدمات عامه مربوط به مردم افغانستان فعالیت نماید.

حذف کمسیون بررسی تخطی رسانه ها که وظیفه آن به کمسیون رسانه های همه گانی سپرده شده است سبب آن خواهد شد که به علت تراکم وظایف، پرونده ها بصورت دقیق بررسی نشده ورسانه ها و شاکیان به مشکلات بروکراتیک مواجه گردند.

در مورد کمسیون مستقل رادیو تلوزیون، نیز مغالطه صورت گرفته است زیرا درقانون رسانه ها ریاست این کمسیون را رئیس عمومی رادیو تلوزیون ملی بعهده دارد، درحالیکه پیشنهاد جامعهٔ خبرنگاری طوری بود که رئیس عمومی رادیو تلوزیون ملی نیز باید تحت اثر کمسیون. عمل می نمود که این امر از استبداد رای جلوگیری نموده وکمسیون عالیترین مرجع تصمیم گیری و طرح پالسی نشراتی می بود.

درماده ۴۵ قانون رسانه ها، مطالب ممنوعه مشخص گردیده است، این ماده در قانون گذشته چهار بند داشت اما در قانون تازه چهار بند بدان افزوده شده است.

دراین ماده کلمات ومفاهیم گنگ و مبهم مانند امنیت روانی و توهین، هتک حرمت. تحقیر وافترا آمده است که هیچ یک ازاین مفاهیم در قوانین دیگر ویا در قانون رسانه ها تفسیر نگردیده ومشخص نشده است، مجریان قانون می توانند به استناد قانون دست به پرونده سازی علیه رسانه ها وخبرنگاران بزنند وخوب بود که این مفاهیم توسط قانون گزار در تبصره و یاضمیمهٔ جداگانه تفسیر می گردید تا جلو سوء استفاده از قانون گرفته میشد.

اما روی همرفته قانون تصویب شده درپارلمان در منطقه، بینظیر بوده وآزادی های داده شده درقانون برای رسانه ها، زمینهٔ رشد وپویایی رسانه ها را فراهم خواهد کرد به این شرط که قانون به منصه اجرا قرار گیرد. زیرا همانقدر که داشتن یک قانون خوب لازمی است تطبیق آن امر مهمتر است ، اگر قانون خوب وضع گردد اما تطبیق واجرای آن درست صورت نگیرد، وجود وياعدم قانون یکسان خواهد بود.

نمایندگان ملت قانون رسانه ها را تصویب نمودند، اکنون بر قوه مجریه است تا دین خودرا درقبال تطبیق این قانون به سر رساند.

هیواد دستونزو د حل لپاره دمسؤولینو رښتینولي ته اړتیالري

ذبیح الله اتل

خپلسري د نه مسؤولیت احساس او بې اتفاقي که په یوه وړوکي کورکي هم وي څرګنده ده چې د هغې کورنۍ و رڅني سالمي اړیکي به په ناکراري بدلي او پایله به یې خپلمنځي جګړو او دعوته ورسیږي. هرڅوک به ځان ځاني خپله او له کوره به ووځي. ګډه کورنۍ چې په کي مور، پلار او زامن اوسي په بیلو بیلو کورنیو بدل شي. همدارنګه یو کلي چې په کي اتفاق، پوهه او د دندي مسؤولیت نه وي په مسجد کي یې دعبادت ترڅنګ شخړي اودعوي زیاتي وي اوهره ورځ په کي یوه ستونزه راپیداوي اوپه میاشتویي ورته دحل لپاره لارنشي پیداکولای .له دي نه چې راتیرشوهمداسي دهیواد په کچه مسولیتونه یادولای شوچي هریویي د دندو د ترسره کولو لپاره ځانته خصوصیات او ځانګړني لري.

دکلي اوکور په پرتله دهیواد په کچه مسولیت اوددندي په صداقت سره مخ ته وړل آسانه کارنه دي ځکه کله چې په کارکي صداقت مسولیت اوترټولو مهم امانتوالي په پام کي ونه نیوله شي د پرمختګ پر لورهڅي ناشوني ښکاري اوخلک تل دستونزو سره مخ وي.

په ډیره خواشیني سره ویلاي شو چي دغه اصل زموږپه هیوادکي مسولین اوپه ځانګړي توګه هغه کسان چي دهیواد واګي یي پرلاس کي دي نه نیسي اویوازي ورته خپل جیب اوخپلي ګټي مطرح دي .کله چي دحساب ورکولو خبررامنځته بیانوخورد په خروار حسابوي دکاغذسپیني صفحي ډکوي چي نه کاغذ ورته ویلاي شي چې زما په دي سپین تن درواغ مه لیکه اونه هم قلم ورته ویلاي شي چي زمارنګ په درواغو لیکنو مه لګوه بس همداسي خپلي شپي اوورځي دوخت دارزښت په نه پام کي نیولوسره تیروي.

زموږ هیواد دیوه داسې ناروغ په شان دی چې له ډیروکلونوڅخه انځور دی او درملنې ته اړتیا لري خو څوک به پیداشی چې رنځ یې تشخیص او ورته له درد سره سمه دوا ورکړي. که له حقیقت څخه سترګی پټې کړو او سنی مسؤولین د تجارتی ډاکترانو په شان دي چې نه غواړي رنځور یې دیوي دواپه ورکولو سره روغ شی. څوک د مرض په تشخیص نه پوهیږي او څوک چې پوهیږي بیا یې خپلې شخصي ګټي په پام کې نیولي. داسې یوپوه ،تجربه لرونکی او مسلکی ډاکتر دی هیواد ته نه پیداکیږي چې له درملنی سره سم د دنیا د حرص کاسه یې ډکه اویا دي ګټوته اړتیاو نه لري،موخه یي دخدای (ج)رضا او خلکو ته خدمت وی.

خو هیواد وال نور نه غواړي دولتي لوړ رتبه چارواکو ته ووایي موږ ته دا اویا هغه کار وکړي یوازې دومره غواړي چې د وخت چارواکي دستونزو دحل له پاره معقولي او پرځای لارې چارې ولټوي او موجوده ستونزوته دپای ټکي کیږدي. د داسې یوه معالج او ډاکتر په هیله.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالیترین آرزوهاي ملت

دور ششم　سال ششم　شمارهٔ هشتم　شنبه ۱۹ جوزای ۱۳۸٦　۲۳ جمادی الأول ۱٤۲۸ -　09 June , 2007

زلمی خلیل زاد نمایندهٔ آمریکا در ملل متحد

ورود سلاح های ایرانی به افغانستان را تأیید و دولت افغانستان را به استفاده از نیروی نظامی تشویق کرد

زلمی خلیل زاد نمایندهٔ ایالات متحدهٔ امریکا در سازمان ملل متحد روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هفتهٔ گذشته در برنامه های شامگاهی فارسی و پشتوی رادیوی بی بی سی مصاحبه هایی انجام داد.

در این مصاحبه ها او دربارهٔ اوضاع عراق و افغانستان و مسالهٔ هسته یی ایران سخن گفت. او ایران را متهم کرد که هم در عراق و هم در افغانستان سیاست دو پهلو دارد. ظاهراً از دولت های این کشورها حمایت می کند اما به بی ثباتی در این کشورها با حمایت از مخالفان آنها دامن می زند.

او در مورد ورود سلاح های ساخت ایران به افغانستان که در این اواخر به سر زبان ها افتاده است گفت که شواهدی وجود دارد که آن را تأیید می کند اما تا هنوز معلوم نیست که این سلاح ها را کدام منبع در اختیار طالبان قرار می دهد، او انگشت اتهامش را بیشتر در این باره متوجه سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران کرد.

آقای خلیل زاد با این اظهارات دومین مقام بلند پایهٔ امریکا بود که در هفتهٔ گذشته ایران را به ارسال اسلحه به افغانستان متهم کرد. دو روز پیش از این اظهارات آقای خلیلزاد، وزیر دفاع آمریکا در کابل نیز از ورود سلاح های ایرانی به طالبان سخن گفت. اما دولت ایران این اتهام را رد کرده و آن را بی اساس خوانده است. سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل محمد رضا بهرامی در واکنش به این اتهام به روزنامهٔ ویسا گفته است که طالبان دیلومات های ایرانی را کشته اند و ایران هرگز این مسأله را فراموش نمی کند و ثبات و امنیت در افغانستان را به نفع ایران می داند.

خلیلزاد دربارهٔ موضع آمریکا در قبال غنی سازی یورانیوم برای استفاده از انرژی اتومی در مقاصد غیر سلاح هسته یی گفت که آمریکا به قول کشوری که در رأس حکومت آن شخصی مانند احمدی نژاد باشد باور ندارد.

خلیلزاد در خلال مصاحبه اش به تقلیل امکان بروز درگیری های مسلحانه در افغانستان اشارت کرد و گفت که نظر به سال های گذشته امکان بروز درگیری های مسلحانه بسیار کم شده است و اکنون دولت آقای کرزی می تواند جهت بسط نفوذش از نیروی نظامی کار بگیرد. شاید این سخن آقای خلیلزاد متوجه حادثهٔ هفتهٔ گذشته جوزجان باشد که در تظاهرات هواداران ژنرال دوستم و نیروهای والی جوزجان ۹ نفر کشته و ده ها نفر زخمی شدند.

او در این گفتگوها همچنان به ضعف حکومت آقای کرزی اشارت کرد و عدم همکاری کشورهای همسایهٔ افغانستان را در آن مؤثر دانست که بی تردید او بیشتر اشارت به پاکستان و ایران دارد، اما او بر ضعف ادارهٔ آقای کرزی نیز توجه داشت و گفت که باید رئیس جمهور کرزی خود در این زمینه تلاش کند و دیگر رهبران افغانستان را برای بیرون آمدن از وضعیت کنونی به همکاری فراخواند. این سخن آقای خلیلزاد در دید برخی از تحلیلگران ناشی از این است که آقای کرزی در این اواخر حمایت بسیاری از رهبران مجاهدین را از دست داده است، کسانی که در جامعهٔ افغانستان نقشی مهم دارند.

درمیان اعتراضاتی گسترده ...

زمینه های زندگانی حیاتی و نباتی شناسایی شده است که آن ناشی از سوخت های فسیلی است.

اکثریت کشورهای [illegible] کیوتو کاهش تولید گازهای گلخانه یی را پذیرفته اند اما ایالات متحدهٔ امریکا که به دلیل کار برد گستردهٔ خودروهای خصوصی بزرگترین تولید کنندهٔ این گاز هاست از پیوستن به پیمان کیوتو خود داری ورزیده است.

نقطهٔ مثبت این نشست در جلوگیری از افزایش گازهای گلخانه یی تغییر از موضع ایالات متحدهٔ امریکا خوانده شده است که تمامی شرکت کنندگان اجلاس سران گروه ۸ توافق کردند هدف هایی مشخص را برای کاستن از میزان تولید گازهای گلخانه یی در نظر بگیرند و برای بحث در این باره در اینندهٔ نزدیک همایشی را برگزار کنند.

در جلسهٔ روز جمعه ۱۸ جوزا با حضور شش رئیس جمهور و نمایندگانی از کشورهای آفریقایی موضوع کمک به آفریقا مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه توافق شد که کشورهای گروه هشت مبلغ شصت میلیارد دلار را برای مقابله با بیماری های ایدز و مالاریا و سل در قارهٔ آفریقا اختصاص می دهند.

برخی از فعالان امداد به آفریقا در انتقاد از این توافق گروه هشت گفته اند که این مبلغ همان چیزی است که دو سال قبل گروه هشت پرداخت آن را به افریقا تعهد کرده بود.

به گزارش بی بی سی "باب گلدوف" آواز خوان معروف پاپ و "بونو" از گروه "یو۲" از فعالان کمک به آفریقا این توافق گروه هشت در کمک به آفریقا را "نمایش خنده آور" و "بازی با زبان و واژه ها" و طراحی آن را جهت پوشاندن عدم پیشرفت در تعهدات گروه هشت خواندند.

سران گروه هشت کارشان را در آلمان درمیان موجی گسترده از اعتراض تظاهر کنندگان پایان دادند. بیش از ۶۰ هزار نفر برضد روند جهانی شدن اقتصاد در شهر هایلیگندام آلمان به تظاهرات پرداختند و آن را به سود کشورهای قدرتمند جهان و زیان کشورهای فقیر خواندند. بیش از پانزده هزار افسر پلیس آلمان برای کنترل این تظاهرات خشونت آمیز آماده شده بودند.

اوج گیری اختلافات روسیه و آمریکا

آمریکا اخیراً اعلام کرد که در جمهوری چک و جمهوری لهستان سیستم موشک دفاعی ایجاد می کنند. و آن را جهت مقابله با خطر موشک های هسته یی ایران و کره شمالی خوانده است اما روسیه این اقدام امریکا را نقض پیمان کنترل سلاح های هسته یی می داند که در سال ۲۰۰۲ آمریکا با آن کشور امضا کرده است. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه با اشاره به این مساله تهدید کرد که در صورت اقدام آمریکا به این امر روسیه موشک هایش را به اهداف آمریکا در اروپا توجیه خواهد کرد.

برخی این اوج گیری اختلاف میان روسیه و آمریکا را آغاز جنگ سردی جدید تعبیر کرده اند، در حالی که جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به تهدید پوتین گفت که دوران جنگ سرد به پایان رسیده است و روسیه دشمن آمریکا نیست.

هرچند جورج بوش پیش از دیداری که در حاشیهٔ اجلاس سران گروه هشت با پوتین داشت اظهار امیدواری کرد که در این دیدار به تفاهم برسند، اما پس از دیدار همچنان مساله بین آنان مورد نزاع ماند.

پوتین در این دیدار برای رئیس جمهور بوش به جای ایجاد پایگاه سیستم دفاعی در چک و لهستان پیشنهاد کرد هر دو کشور روسیه و آمریکا از پایگاهی در آذربایجان مشترکاً برای این منظور استفاده کنند، چیزی که رئیس جمهور بوش آن را برای آمریکا جالب خواند و گفت که قصر سفید این مساله را مورد بررسی قرار می دهد.

روسیه ایجاد سیستم دفاع آمریکا در چک و لهستان را تهدیدی برضد امنیت و منافع خود می داند. برخی از تحلیلگران به این باورند که این موضع گیری روسیه نشان از آن دارد که روسیه می خواهد بیشتر از سال های گذشته در عرصهٔ مسائل بین المللی در برابر آمریکا نقش بازی کند و می کوشد نقش از دست رفتهٔ خود را در دوران اتحاد شوروی پیشین باز به دست آرد.

گفتند و شنیدیم

مصطفی شهری

حرف آخر را رئیس جمهور می گوید!

آقای فاروق وردک مرد قوی پنجهٔ حکومت حین بازگشت از سفر پاکستان دربارهٔ پاسخ دادگاه عالی به پرسش آقای کرزی در رابطه با تکلیف دکتر سپنتا به خبرنگاران در فرودگاه کابل گفت: علی رغم توضیح و فیصله نامهٔ دادگاه عالی (ستره محکمه) باید دانست که حرف اخیر در چنین مواردی را یک فرد می زند که او رئیس جمهور است!

آقای وردک حرف شما درست است! اما با تصحیحی اندک و آن این که اگر به جای رئیس جمهور در این جمله پادشاه می گذاشتید کاملاً خود را از مشکل رهایی می بخشیدید. به این معنی که در نظام های شاهی و مطلقه و توتالیتر است که حرف آخر را در همهٔ کارها شاهی می گوید و برونده را می بندد، اما متأسفانه نام نظام کشورما و شما را جمهوری نهاده و از قضا صفت اسلامی نیز بر آن افزوده اند که به هر دو روی دست شما را چنان که خواسته اید باز نمی گذارد.

سپنتا در تیم آقای فاروق وردک است

فاروق وردک در یک مصاحبهٔ دیگر با تلویزیون آیینه در یک هفته پیش در پاسخ به این پرسش که گفته می شود شما هم در رأی عدم اعتماد پارلمان به سپنتا نقش دارید، گفت: "من در این کار نقش دارم؟! او در تیم من است! نه خیر! ما هر دو در یک تیم هستیم".

به هر حال چه دکتر سپنتا در تیم دکتر وردک باشد و چه دکتر وردک در تیم دکتر سپنتا؛ چندان فرقی نمی کند چون هر دو در یک آسیاب آب می ریزند.

اما آقای وردک این استدلال هیچ گاهی لزوماً به معنای همدلی با یکدیگر نیست، و اگر هست، پس چرا نشریه هایی که سر در جیب شما دارند و کاتبانی که در اطراف شمایند بر ضد آقای سپنتا مقاله می نویسند؟!

ملاقات نمایندهٔ جمعیت اسلامی با رهبر حزب سعادت ترکیه

محمدنسیم فقیری نمایندهٔ جمعیت اسلامی افغانستان که هفتهٔ قبل جهت شرکت درمراسم بزرگداشت از سالروز فتح استانبول درترکیه به سرمی برد ؛ عصر روز دوشنبه هفتم جوزا با آقای رجایی کوتان رهبرحزب سعادت ترکیه درمقر آن حزب ، ملاقات نمود .

درین ملاقات نمایندهٔ جمعیت اسلامی ، نخست سلامهای رهبرجمعیت را به رهبرحزب سعادت رسانید وازدعوت آن حزب برای شرکت درین مراسم پرشکوه تشکرنمود.

فقیری با تشریح مختصر پیشینه های اوضاع کنونی کشور ازنقش بارز جمعیت درطی سالهای جهاد وپیروزی وتشکیل دولت اسلامی یادآورشد واضافه نمود که:

دردیروز و امروز، مشکلات ودشواری های زیادی فرا راه مجاهدین قرارداشته و دارد.

جمعیت اسلامی همواره در امر تفاهم ومصالحه با همه نیروهای جهادی درطی سالهای جهاد و ازبدو تشکیل دولت اسلامی پیشگام بوده و جنگ های تحمیلی بردولت اسلامی انگیزه ای جز خودخواهی وافزون طلبیی سران گروه ها وازسوی دیگر مداخلهٔ کشورهای دورونزدیک وکمک ویاری به جنگ طلبان نداشته است.

دولت اسلامی با هرگروه محارب – به شمول طالبان – همواره درآشتی ومصالحه را بازگذاشته بود ونخستین گام دولت ، دعوت به مصالحه ودر پیش گرفتن راه انعطاف وآشتی بود.

دولت ازشعارواقدام طالبان مبنی برخلع سلاح گروه های غیرمسؤول وبرداشتن پاتک های باجگیرواذیت کنندهٔ رانندگان و مسافران درمسیر راه ها وشاهراه ها استقبال کرد ولی آنان با وجودکمک های دولت، برمواضع دولت اسلامی هجوم آوردند وخواهان تسلیمی وخلع سلاح دولت گردیدند.

نمایندهٔ جمعیت درمورد حضورنیروهای خارجنی درافغانستان به این واقعیت اشاره نمودکه پس ازفاجعهٔ یازدهم سپتامبر، دنیا به صورت یکپارچه ازحمله به افغانستان وکوبیدن القاعده وطالبان حمایت می نمود واصلاً سوال دعوت ازخارجی ها مطرح نمی گردید. ما خواهان آنیم که هرچه زودتر زمینه وشرایط برگشت قوای خارجی فراهم گردد ومردم مابتوانند کا با داشتن قوای مسلح نیرومند وخودکفا درصلح ، امنیت وآسایش به سرببرند

امروز مجاهدین در صحنهٔ سیاسی حضورفعال ونیرومند دارند وبا رای مردم افغانستان اکثریت کرسی های پارلمان بدست آنان است.

جمعیت اسلامی قصد دارد تا با تشکیلات مؤقت به سازماندهی مجدد بپردازد و زمینهٔ برگزاری کنگره را آماده نماید وبزودی این کارآغاز خواهد گردید.

بعد آقای رجایی کوتان رهبر حزب سعادت باسلام متقابل به رهبرواعضای جمعیت، ازتلاش این حزب درجهت وحدت صفوف مجاهدین درسالهای جهاد یادآورشدودرمورد مسایل ومشکلات امروزی افغانستان ومجاهدین اطمینان داد که این مسایل قابل درک است ونهضت های اسلامی به جهادمردم افغانستان افتخارمی کنند

در اخیر موصوف ازشرکت فقیری به نمایندگی ازجمعیت اسلامی درپنجصدوپنجاه وچهارمین سالروز فتح استانبول تشکرکرد وبرای جمعیت ومردم افغانستان سعادت وبهروزی را آرزو نمود.